

جمع بندی طلاپی

جمع بندی آرایه های ادبی

مؤلف: امیدمیران

## جمع بندی طلایی

### تشبیه

📖 **همانند کردن یا ادعای همانندی بین دو یا چند چیز که در**

**یک یا چند ویژگی مشترک باشند**

تشبیه ۴ رکن دارد:

۱) **مشبه:** چیزی یا کسی که آن را تشبیه می کنیم.

۲) **مشبه به:** چیزی یا کسی که مشبه را به آ» مانند می کنیم

۳) **ادات تشبیه:**واژه ای که نشان دهنده ی پیوند و رابطه ی شباهت است

۴) **وجه شبه:**ویژگی یا ویژگی هایی که بین رکن ها ۱ و۲ مشترک است

📖 به عبارتی وجه شبه ،همان دلیل شباهت است

#### 📌 نکات

📖 در تشبیه هیچ ترتیبِ مشخصی برای ارکان وجود ندارد.

برای تشخیص ارکان، بهترین کار ،مرتب کردن عبارت است.

📖 معمولاً بعد از ادات تشبیه،مشبه به قرار می گیرد.

مهمترین ادات تشبیه:مانند،چو،چون،چونان،چنان،به سان،بر سان،به کردار، در حکم، گویی، گفتی، گویا،انگار،پنداری،ماند،مانستی،پسوندهای گون-وار-وش-سا-آسا-گونه-صفت – فام

۱- «چون»و«چو» زمانی ادات تشبیه به شمار می روند که به معنای «مانندِ»، «مثل» بوده و مفهوم شباهت را برسانند

📖 **چو غنچه بر سرم از کوی گذشت نسیمی**

که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم(تهری۹۸)

در اینجا«چو» ادات تشبیه است

۲- «گویی،گفتی،پنداری» زمانی که ادات تشبیه هستند،دیگر فعل محسوب نمی شوند بلکه«قید»به شمار می روند

۳- نمودن اگر در معنای«به نظر رسیدن»به کار رود،ادات تشبیه است

📖 دو رکن اول را ارکان اصلی و به عبارتی«طرفین تشبیه»می گویند و تشبیه بدون حضور آنان شکل نمی گیرد اما دو رکن دیگر می توانند حذف شوند

📖 مهمترین رکن تشبیه،«مشبه به»است و به عبارتی از طریق آن میتوان وجه شبه را یافت!

وجه شبه،ویژگی بارز مشبه به است

📖 گاهی تشبیه در بیت پنهان است و باید از طریق معنی به آن پی ببریم.میتوان گفت که در تشخیصِ آرایه ی تشبیه ،«قصد ونیّت» شاعر یا نویسنده و رخ دادن اتفاقِ تشابه مهم است.

📖 **اگر کساد شکر بابدت دهن بگشای**

**ورت خجالت سرو آرزو کند بخرام(تهری۹۱)**

مشبه:سفن یار – مشبه به:شکر

📖 نوع دوم تشبیه،تشبیه بلیغ یا فشرده است

تشبیه بلیغ،تشبیهی دو رکنی است که تنها«مشبه» و «مشبه به» دارد و خود بر دونوع است:

۱- **بلیغ اسنادی:** که در قالب یک جمله ی اسنادی می آید و در آ» مشبه ومشبه به با فعلی اسنادی به هم نسبت داده می شوند.

۲- **بلیغ اضافی:** همان اضافه ی تشبیهی است که در قالب یک«ترکیبِ اضافی» می آید و در آن یکی از طرفین تشبیه(مشبه،مشبه به)به دیگری اضافه می شود

📖 در اضافه ی تشبیهی،اصولاً در ابتدا مشبه به قرار می گیرد و سپس مشبه می آید اما در بعضی موارد عکس موضوع رخ می دهد،یعنی

ابتدا مشبه قرار می گیرد و سپس مشبه به: لبِ لعل/خالِ هندو

📖 اضافه ی تشبیهی دو شرط اساسی دارد:

۱- ترکیب مورد نظر باید یک ترکیب اضافی باشد

۲- بین اجزا رابطه ی شباهت برقرار باشد.به عبارتی میتوان گفت که هر

ترکیب اضافه ای، اضافه ی تشبیهی نیست! مثلاً درختِ بلند

#### 📌 مثال

📖 **سرو رفتاری صنوبر قامتی**

**ماه رخساری ملایک منظری (تهری۹۷)**

📖 رفتار مثل سرو / قامت مثل صنوبر / رخسار مثل ماه / منظر مثل ماه

📖 **مرا دلی است گرفتار عشق دلداری**

**سمن بری،صنمی،گلرخی، جفاکاری (تهری۹۷)**

📖 **دلداری مثل سمن / دلداری مثل صنم / دلداری شبه گل**

📖 **همای فری طاووس حسنی و طوطی نطق**

به گاه جلوه گری چون تذرو رفتاری (تهری۹۷)
📖 **همای فری، تشبیه او به هما / طاووس حسنی، تشبیه به طاووس / طوطی نطق، نطق مثل طوطی / تذرو رفتاری، تشبیه رفتار او به تذرو**

📖 **صد خار بلا از دل دیوانه ما خاست**

**هر روز که بی ساقی گل چهره نشستیم(ریاضی۹۳)**

📖 **قار بلا / گل پوره**

📖 **ای سیل اشک خاک وجودم به باد ده**

تا به دل کسی ننشیند غبار من (ریاضی۹۳)

📖 **سیل اشک**

📖 **من آن شهرم که سیلاب محبت ساخت ویرانم**

تو آن گنجی که در ویرانهٔ دل ها وطن داری (انسانی۹۴)

📖 **من آن شهرم/سیلاب محبت / تو آن گنجی/ویرانهٔ دل ها**

## زبان وادبیات فارسی

### استعاره

📖 در لغت به معنی قرض گرفتن و به عاریت گرفتن است. اما در آرایه های ادبی یعنی به کاربردن یک واژه به جای واژه ای دیگر به دلیل شباهت در یک یا چند ویژگی مشترک ویا به عبارتی ساده تر استعاره تشبیهی است که در آن یکی از طرفین تشبیه(مشبه،مشبه به)حذف شده باشد!

📖 استعاره دو نوع دارد:

۱) استعاره نوع اول(مصرّفه )۲)استعاره نوع دوم(مکنّیه)

📌 **استعاره نوع اول(مصرّحه):** .....

📖 در نوع اول استعاره از چهار رکن تشبیه فقط و فقط«مشبه به»باقی می ماند و مابقی ارکان حذف می شوند.(متنی مشبه)البته به شرطها و شروطها! به شرطی که ردپا و اثری از «مشبه» باقی مانده باشد تا بتوانیم به کمک این آثار و ردپاها به وجود«مشبهٔ محذوف»پی ببریم! به عبارتی ساده تر در نوع اول استعاره مشبه به به جای مشبه بکار می رود.
**ببینید:**

📖 **گوه جام لاله گیرد ابر لؤلؤ گسترد**

**باغ چون مینو نماید زاغ چون مینا شود(خارج۹۴)**
لؤلؤ: استعاره از باران (باران مثل لؤلؤ است؛ در اینجا مشبه یعنی«باران» حذف شده است۱)

📖 **ما چو داده ایم دل و دیده به طوفان بلا**

**گو بیا سیل غم این خانه ز بنیاد ببر(زبان ۹۵)**
**قانه:**استعاره از وجود شاعر (بان و وجود شاعر مثل قانه است)

📌 **برای تشفیص این نوع استعاره ها به دلت بگوا آیا منظور از قانه در این با واقعاً قانه(مکانی برای زندگی کردن۱) است؟۱**

📖 **هم چو طوق قمریان آغوش ما گستاخ نیست**

**جلوه ای از دور از آن سرو روان ما را بس است (انسانی ۹۵)**
**سرو:** استعاره از یار (یار مثل سرو است)

📌 **به دلت بگوا آیا منظور از سرو در این با واقعاً درفت سرو است؟۱**
📖 در استعاره نوع اول حتماً باید «مشبه» حذف شده باید! ونباید اصلاً در بیت و یا عبارت وجود داشته باشد! در این صورت بازهم تشبیه داریم نه استعاره.به عبارتی ساده تر میتوان گفت که تفاوت تشبیه و استعاره در این است که در تشبیه ادعای همانندی میکنیم بین دو چیز(مشبه و مشبه

## مؤلف:امیدمیران

به هردو حضور دارند) اما در استعاره ادعای یکسانی و برابری می کنیم بین دو چیز(مشبه یا مشبه به،حضور دارد چون برابرند)
**ببینید:**

📖 **بی تو ای سرو روان با گل و گلشن چه کنم**

**زلف سنبل چه کشم عارض سوسن چه کنم(حافظ)**
**سرو:** استعاره از یار (یار=سرو)

📖 **ماهی ننافت همچو تو از برج نیکویی**

**سروی نخواست چون قدت از جویبار حسن(حافظ)**
**تیشه قز به سرو (قر یار مثل سرو بلند است)**

📖 **آتش است این بانگ نای و نیست باد**

**هر که این آتش ندارد، نیست**

**باد(مولوی) آتش در مزارع اول استعاره نیست!پون هر دو رکن اصلی تشبه بکار رفته اما در مصرع دوم استعاره است چون فقط یکی از رکن ها بکار رفته**

📖 گاهی شاعر استعارهٔ موجود در یک بیت را در همان بیت معرفی می کند! و میتوانیم با نگاه کردن به اطرافِ واژه! بفهمیم آن واژه استعاره از چیست.
**ببینید:**

📖 **هنگام تنگدستی،در عیش کوش و مستی**

**کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را(حافظ)**
**کیمیای هستی:** استعاره از عیش ومستی (در مصرع اول معرفی کرده۱)

📖 **خانهٔ دل ما را از کرم عمارت کن**

**پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی (شیخ بهایی)**
**قانه:** استعاره از دل (با توجه به مصرع اول که در آن دل به قانه تشبیه شده است،میتوان فهمید که قانهٔ دوم استعاره از دل است۱)
**📖 هراستعاره مصرّحه ای،«مجاز»هم محسوب می شود.اما بلعکش صادق نیست.**

📌 **استعاره نوع دوم(مکنّیه):** .....

📖 در نوع دوم استعاره فقط «مشبه» باقی مانده و سایر ارکان حذف شده اند و مثل نوع اول باید ردپا و یا اثری از «مشبه بهِ محذوف» باقی مانده باشد تا بتوانیم به وجود«مشبه به محذوف» پی ببریم.میشود گفت که در استعاره ی مکنیه شاعرمشبه را همراه با یکی از اجزا یا ویژگی های مشبه به می آورد به عبارتی ساده تر در این نوع استعاره با نسبتی دروغین روبه رو هستیم!
**ببینید:**

📖 **هر کو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید**

**در رهگذار باد نگهبان لاله بود(حافظ)**

## جمع بندی طلایی

*در اینجا «مهر» همان مشبه است و «کاشتن» ویژگی یا به اصطلاح همان ردپای به یا مانده از «مشبه به مضموف» است به عبارتی ساره تر میتوان گفت که در این بیت شاعر مهر را به مانند بذر دانسته که قابلیت کاشتن دارد.*

۱) استعارهٔ مکنیهٔ خود به دو نوع تقسیم می شود: ۲-۱) غیر اضافی ۲-۲) اضافی(اضافه ی استعاری)

۲-۱) **غیر اضافی:** در اینجا ویژگی ها و ردپاهای به جا مانده از «مشبه به محذوف» در قالب یک جمله یا گزاره به«مشبه» نسبت داده می شود.

👉 **عاشق مستیم و عقل از خانه بیرون کرده ایم**

در به در می گردد و از ما شکایت می کند (شاه نعمت الله ولی)
عقل از ما شکایت می کند! عقل که نمی تواند شکایت کند، در واقع عقل به انسانی(مشبه به) تشبیه شده که شکایت(ویژگی وردپای مشبه به) می کند که این استعره به صورت غیر اضافی و در قالب جمله آمده است

👉 **به صحرا شدم، عشق باریده بود.** (بایزید بسطامی)

عشق که نمی تواند بیارد! (نسبت دروغین) در واقع عشق به باران تشبیه شده که می بارد
۲-۲) اضافی(اضافه ی استعاری): در اینجا ویژگی ها و ردپاهای به جا مانده از «مشبه به محذوف» به«مشبه» اضافه می شود و ترکیبی اضافی پدید می آورد.

👉 **از عکس رخت دامن آفاق، گلستان**

**وز باد لبث خاطر عشاق، طربناک**(هنر۹۷)
دامنِ آفاق (آفاق که دامن نراره!!! نسبت دروغین)(آفاق به انسانی تشبیه شده که دامن داره)

👉 **چشم که بر تو می کنم چشم حسود می کنم**

شکر خدا که باز شد دیدهٔ بخت روشنم(ریاضی ۹۱)
دیدهٔ بخت (بخت که چشم نراره!!)

👉 **صدای اوست به حلقوم باد می شنوید**

خروش اوست که از آبشار می آید(زبان۸۹)
حلقوم باد (باد که گلو نراره!!)

۱) تفاوت اضافهٔ استعاری و اضافهٔ تشبیهی: در اضافه ی تشبیهی تشبیه به صورت واضح ومستقیم صورت می گیرد(مشبه به+مشبه یا بعکس)!
امادر اضافه ی استعاری،این تشبیه مستقیم و واضح نیست،بلکه یک ویژگی یا خصوصیت مشبه به آمده است(ویژگی،اثر یا ردپای مشبه به محذوف+مشبه)؛
اینها را ببینید:

👉 **طلوع باره:**(طلوع،ویژگی مشبه به مضموف + مشبه) ← اضافهٔ استعاری

👉 **لب لعل:**(مشبه+مشبه به) ← اضافهٔ تشبیهی

### تشخیص.....

۱) نسبت دادن ویژگی ها،اعضا،افعال ،لوازم و... انسان به غیر انسانه عبارتی ساده تر در استعاره ی نوع دوم(مکنیه)

اگر «مشبه به محذوف» انسان باشد، «تشخیص» داریم ببینید:

👉 **در حیرتم از زاری تنبور که این طفل**

بدخو شود آن دم که در آغوش و کنار است (هنر ۹۱)
زاریِ تنبور (گریستن ویژگی و صفت انسان است که به تنبور نسبت داده شده است)

👉 **اگر غم لشکر انگیزد که خون عشاق ریزد**

من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم (حافظ)
لشکر انگیزتن غم (لشکر انگیزتن،ویژگی و عمل انسان است اما به غم نسبت داده شده است)

👉 **ای ماه که در گردش هرگز نشوی لاغر**

انوار جلال تو بدریده ضلالت را (مولوی)
قطب قرار گرفتن ماه (مورد قطب واقع شدن،یک ویژگی انسانی است که به ماه نسبت داده شده است)

👉 **نظر ز روی تو خورشید بر نمی دارد**

اگرچه خوب تر از خود نمی توان دید (انسانی۹۲)
فورشید نظر از روی تو بر نمی دارد (دین ویژگی و صفت انسان است که به فورشید نسبت داده شده است)

### نکات

۱) تشخیص گاهی با نسبت دادن یک فعل انسانی به غیر انسان پدید می آید!

👉 **ابر و باران و من و یار ستاده به وداع**

من جدا گریه کنان، ابر جدا، یار جدا (امیرخسرودهلوی)
ایستادن و گریه کردن فعل های انسانی اند!

۱) تشخیص گاهی با نسبت دادن یک صفت انسانی به غیر انسان پدید می آید!

👉 **چنگ خمیده قامت می خواندت به عشرت**

بشنو که پند پیران هیچت زبان ندارد (خارج۹۵)
نسبت دارن صفت انسانی (خمیره قامت) به ینگ(نوعی ساز)

۱) مورد خطاب قرار گرفتن غیر انسان باعث ایجاد تشخیص می شود (زیرا از بین موجودات تنها انسان می تواند منادا شود!)

۱) هر تشخیصی ، استعاره است!(در حل سوالات به درد می خورد)

## زبان وادبیات فارسی

👉 **ای صبا با بلبل خوش گوی،گوی** ← مورد قطب قرار گرفتن صبا

می نماید لاله ی خودروی،روی (انسانی۹۴)

۱) اگر موجو غیر انسان،مورد خطاب واقع شود در صورتی استعاره مکنیه و تشخیص است که خودش استعاره ازچیزی نباشد به عبارتی ساده تر در معنای طبیعی خودش بکار رفته باشد! ببینید:

👉 **در دلم چون غمت ای سرو روان برخیزد**

همچو سرو این تن من بی دل و جان برخیزد (مولوی)
سرو، استعاره از یار (در اینجا تشفیف نداریم) X

👉 **ای گل،به بستان می روی،وی غنچه پنهان می روی**

وی سرو از قعر زمین،خوش آب کوثر می کشی (مولوی)
گل در معنای طبیعیش بکار رفته ✓

۱) استعاره های مهم در ابیات: آفتاب، خورشید، ماه، شاه،قمر،شمس، بت، صنم، بهار، گل، سرو، صنوبر، شمشاد، غزال، آهو، شمع، پروانه: استعاره از معشوق / بادام،نرگس:استعاره از چشم / لعل،یاقوت،شکر،قند: استعاره از لب / دام: استعاره از زلف / شکر،گهر:استعاره از سخن / دانه: استعاره از خال /

پسته، شکر، قند، چشمه،صدف:استعاره از دهان / لؤلؤ،ژاله،تگرگ، رود، سیل، جوی ،مروارید:استعاره از اشک / منزل، سرا، مهمانسرا، گلشن، گلزار،گلستان، باغ، زندان، چاه، بازار، قفس، دام :استعاره از دنیا /آتش، دریا:استعاره از عشق، خشم / شب:استعاره ازظلم وستم و جهل / چرخ، گنبد، سقف، طاق،

رواق:استعاره از آسمان وفلک / عقاب، باز، شاهین:استعاره ازشکارچی تیزبین / حجاب، پرده،زندان:استعاره مادیات و جسم خاکی / بید:استعاره از هرچیز لرزان / کاه:استعاره از هرچیز بی ارزش / اکسیر، کیمیا:استعاره ازهر چیز مفید و تعالی بخش / مس:استعاره از هرچیز بی ارزش ویا کم ارزش / زر:استعاره از هرچیز گرانبها

### مجاز.....

۱) هر واژه، یک معنای اصلی و یک یا چند معنای غیر اصلی دارد؛ به معنای اصلی واژه، معنای حقیقی و به معنای غیر اصلی آن، معنای مجازی می گویند .کلمه ای که در معنای غیر حقیقی به کار رفته باشد، «مجاز » نامیده می شود ببینید:

👉 **پیش دیوار آنچه گویی هوش دار**

تا نباشد در پس دیوار گوش(سعدی)
گوش بخشی از بدن انسان است اما در این جا به پای کل بدن انسان بکار رفته است! به عبارتی ساده تر در معنای مجازی اش بکار رفته است

## مؤلف:امیدمیران

### نکات

۱) در مجاز معمولاً بین معنای حقیقی ومعنای مجازی رابطه ای برقرار است،وهم چنین قرینه ای به شکل لفظی یا معنوی به کاربرد مجازی کلمه یا سخن اشاره دارد

۱)علاقه:پیوند وتناسبی که بین معنای حقیقی و مجازی واژه وجو دارد، که مهمترین آنها عبارتند از:

۱) علاقهٔ جزئیّه: جزئی از یک شیء به جای تمام آن به کار میرود.

👉 **ازدست وزبان کهه برآید**

کز عهدهٔ شکرش به درآید؟ (سعدی)
دست وزبان:مجاز از کل وجود (دست و زبان جزئی از کل وجود انسان هستند)

۲)علاقه ی کلیّه:دقیقاً بر عکس علاقه جزئیه ؛کل یک شی به جای جزئی از آن به کار می‌رود.

👉 **گر نخواهد که برآشفته شود کار جهان**

دست در حلقه زلف تو کمی باید زد (خواجوی کرمانی)
دست: مجاز از انگشتان دست (انگشتان جزئی از کل دست هستند)

۳) علاقه ی محلیّه: محل چیزی به جای خود آن چیز به کار می‌رود.

👉 **سرآن ندارد امشب که برآید آفتابی**

چه خیال ها گذر کرد وگذر نکرد خوابی
(سعدی) سر: مجاز از فکز وانریشه (سر محل تفکر، اندیشه، قصدو عزم است.)

👉 **حاجت گه جملهٔ جهان اوست**

محراب زمین و آسمان اوست (نظامی گنجوی)
جهان: مجاز از مردم جهان (مردم جهان دورن جهان قرارگرفته اند!)

👉 **زدست ساقی ار جامی بنوشی**

زمانی تن زن آنجا در خموشی(عطار)
جام: مجاز از شراب و می (شراب و می درون جام قرار دارند)

۴) علاقه ی سببیه: سبب چیزی جانشین خود آن چیز می‌شود.

👉 **از تو نیز ار بدین غرض نرسم**

با تو هم بی غرض بود نفسم (نظامی گنجوی)
نفس: مجاز از سفن (نفس عمل بازدم) عامل سفن گفتن است)

۵) علاقه ی آلیّه: ابزاری جانشین کاری شود که با آن ابزار انجام شود.

👉 **برآشفت عابد که خاموش باش**

تو مرد زبان نیستس گوش باش (سعدی)
زبان: مجاز از سفن (زبان ابزاری است که سفن گفتن با آن انجام می‌شود)



## جمع بندی طلایی

٦) علاقه ی لازمیه: چیزی به دلیل همراهی دائمی با چیزی به جای آن به کار می‌رود.

👉 **به خون ناحق ما را چرا نمیراند**

خدای،گر سوی او خونی و ستمگاریم؟(ناصرخسرو)
فون: *مِياز از کشتن (کشتن همواره با فون همراه است)*

👉 آمدن دو واژه متضاد به صورت معطوف، باعث ایجاد مجاز می شود.

ببینید:

👉 **هر نفس آواز عشق می رسد از چپّ و راست**

**ما به فلک می رویم عزم تماشا که راست؟ (مولانا)**

چپّ و راست:مِياز از همه با

👉 هرگاه کلمه ای به جای کلمهٔ دیگر به کار برود، و رابطهٔ بین آن دو از نوع **شباهت** باشد،**استعاره مصرحه** است!(پس هر استعاره،مجاز است)

👉 در **کنایه یک ترکیب یا عبارت** در معنای غیر حقیقی خود بکار می رود و **هر دو معنی آن میتواند پذیرفتنی باشد** اما در مجاز،**یک واژه** در معنای غیرحقیقی خود بکار می رود و **تنها معنیِ مجازی(یا غیر حقیقی)آن مورد نظر و پذیرفتنی است**.

👉 مجازهای پرتکرار و مهم:

زهره،جگر: جرأت / دل : سینه / خاک:سرزمین،گور/ انسان : گل، خاک: انسان / چمن:باغ،چمنزار،بوستان/ قلم، کِلک، خامه: نوشته،شعر/ جهان، عالم، دنیا، شهر:مردم/ جام، ساغر، پیاله:شراب ومی / خدنگ، گز:تیر / سر:فکر واندیشه، قصد و آرزو / نگین:انگشتر / دم:سخن،لحظه،زبان / شمشیر:جنگ

## کنایه

📖 یعنی«پوشیده سخن گفتن»! وبه عبارتی ساده تر به کار بردن عبارتی که دو معنی دارد،یکی نزدیک و دیگری دور که البته منظور گوینده و یا نویسنده همان معنی دور است و در ضمن معنی نزدیک همانند پُلی است که ما را به معنی دور می رساند *ببینید*:

👉**رنگ پردین: کنایه از ترسیدن**

### نکات

👉 **کنایه را با مجاز قاطبی نکنیم!** در کنایه معمولاً با یک عبارت روبه رو هستیم که دو معنی دارد و **هردو معنی قابل قبول است** اما در مجاز فقط معنای مجازی کلمه قابل قبول است!

👉 **کنایه را ایهام اشتباه نگیریم!** کنایه معمولاً در یک عبارت رخ میدهد اما ایهام در یک واژه و در ضمن یک عبارت کنایبی معمولاً در هر جایی **کنایه** است اما یک واژه ممکن است در یک بیت ایهام داشته باشد ولی در بیتی دیگر ایهام نداشته باشد

👉 گاهی به جای پرداختن به خودِ موضوع، نشانه ها یا ویژگی هایی از آن موضوع را بیان می کنیم که این یکی از رایج ترین شکل های ساختن کنایه است. *ببینید*:

👉 **سپهر انداختن: کنایه از تسلیم شدن (انرافتن سپر از نمونه ها و نشانه های شکست خوردن است)**

👉 **کنایه ممکن است در یک صفت ایجاد شود!** اگرچه معمولاً کنایه ها در جملات،**مصدرها و یا فعل ها** ایجاد می شود.به طور کلی تر میتوان گفت که کنایه ممکن است در **یک واژه** رخ دهد البته به شرطی که بتوان آن را به صورت یک عبارت فعلی تفسیر کرد! *ببینید*:

👉 **رور زرد: کنایه از شرمنده (روی زرد شدن)**

👉 **بر باد رفته: کنایه از نابود شده (بر باد رفتن)**

👉 توجه داشته باشید که **هر ضرب المثلی**، کنایه است!

### مثال

👉 **سبک سر بودن (فارج ۹۳)**

👉**کنایه از نادانی وهماقت**

👉 **پرده دریدن (تهربیی ۹۸)**

👉 **کنایه از آشکارسافتن**

👉 **عنان را گران کردن (فارسی۱)**

👉 **کنایه از توقف کردن**

👉 **سپید دست بودن (فارج ۹۳)**

👉 **کنایه از بفشنگی و سقاوت**

👉 **سیه کاسه بودن (فارج ۹۳)**

👉 **کنایه از بُل**

👉 **تُرش بودن (فارج ۹۳)**

👉 **کنایه ازبذ افلاق بودن**

👉 **روشن شدن چشم (فارج ۹۳)**

👉 **کنایه از شار شدن**

👉 **کبادهٔ چیزی را کشیدن (فارسی ۳)**

👉 **کنایه از ادعای چیزی داشتن**

👉 **گل از خار برآوردن = خار از پا درآوردن = پای از گل درآوردن (فارج ۹۳)**

👉 **کنایه از رفع کردن مشکل**

## تلمیح

📖 **در لغت یعنی به گوشهٔ چشم اشاره کردن اما در اصطلاح**

## زبان وادبیات فارسی

**ادبی یعنی اشاره کردن به آیه،حدیث،مثل،اتفاق و داستان های تاریخی در ضمن کلام. ببینید:**

👉 **نی حدیث راه پر خون می کند**

**قصه های عشق مجنون می کند(مولانا)**

اشاره به ماهرای عاشقانهٔ لیلی و میثون

### نکات

👉 برای پاسخ گویی به سوالات تلمیح اولاً باید با **تمامی آیات ، احادیث و اتفاقات و ماجراهای** ذکر شده در متن کتاب های درسی آشنا باشید و در ضمن یک سری اتفاقات و ماجراها و احادیث خارج از کتاب ولی مشهور را هم بدانید.

👉 **شاعر یا نویسن**د در بعضی موارد با آوردن **نشانه هایی که تداعی کننده و یادآور یک داستان یا رخداد قدیمی** است،آرایهٔ تلمیح را پدید می آورد.

👉 در تلمیح شاعر یا نویسنده مستقیماً به داستان یا ماجرا نمی پردازد بلکه فقط یک اشارهٔ کَلّی به ماجرا می کند.

👉 **مهمترین شخصیت های دینی:**

**۱:حضرت آدم:** خوردن از میوهٔ ممنوعه و رانده شدن به زمین
*کلیدها:هوآ-شیطان-گندم-رانده شدن از بعثت-روضهٔ فوان-هابیل و قابیل*
**۲:حضرت ابراهیم:** در کودکی در غاری پرورش یافت، شکستن بت ها،گلستان شدن آتش نمرود بر وی،بنا کردن کعبه، زنده کردن پزندگان،قربانی کردن فرزندش حضرت اسماعیل
*کلیدها:قلیل-آتش-گلستان-نمرود-آزر-منئینق-قربانی-بهار پرنده-اسماعیل-قربانی*
**۳:حضرت عیسی:** بدون پدر به دنیا آمدن*(زاده شدن از حضرت مریم برون آنکه پرری داشته باشد)*،زنده کردن مردم با نفس جان بخش خود،در گهواره با مردم سخن گفتن

*کلیدها:۴۰ مسیهای-مسیح-شفا-جُلبلتا(هایی که ایشان مهملوب شترند)-زنره کردن مردگان-صلیب-مریم*

**۴:حضرت موسی:** مادرش او را به نیل انداخت تا از دست فرعون نجات پیدا کند،چوپانمی برای حضرت شعیب،به پیغمبری رسیدن در کوه طور*(واری ایمن)*،شکافتن نیل، ید بیضاء،همراه شدن برادرش هارون با وی*(به ترمی سفن گفتن با فرعون،و قولاً له قولاً لیثا..)*،عضای معروف که به اژدها تبدیل شد،سامری*(مردم را به پرستیدن گوسالهٔ زرین دعوت می کرد)*

*کلیدها:کوه طور-سامری-پادوگران فرعون-فرعون-یربیشا-نیل-پور عمران-اژدها،عصا*
**۵:حضرت یوسف:**به چاه انداخته شدن توسط برادران،عزیز مصر شدن،عاشق شدن زلیخا بر ایشان،به زندان افتادن،زنان مصری با دیدن وی دستهایشان را بردیند،تعبیر خواب و نجات مصر از قحطی،بینا شدن حضرت یعقوب با لمس پیرهان ایشان

کلیدها:کنعان-پاه-برادران-افوان-زلیقا-ترنج-زندان-عزیز مصر-پیراهن

## مؤلف:امیدمیران

**۶:حضرت نوح:**عمر هزار ساله،ساختن کشتی*(از هر حیوانی یک جفت را به داخل کشتی آوردند)*،غرق شدن پسر ناخلفش

کلیدها:عمر هزار ساله-کشتی-طوفان-پسر و قوم نائف

**۷:حضرت سلیمان:**دانستن زبان حیوانات،قالیچهٔ پرنده،پیام رسانی هدد برای ایشان،دزدیده شدن انگشتر ایشان توسط دیو،ماجراهای ایشان با بلقیس ملکهٔ شهر سبا

کلیدها:سرزمین سبا-بلقیس-هرهر-اهریمن-شیطان و دیو-انگشتر و نگین-تفت

پادشاهای-مور و ملخ – زبان پرنرگان-دستور دادن به باد

**۸:حضرت خضر:**دست یافتن به آب حیات و جاودانه شدن

کلیدها:ظلمات-آب حیات-باوردانگی-آب هیووان-پشمهٔ هیوان و حیات

**۹:حضرت ایوب:**صبر بی نظیر ایشان بر بلاها، فرزند آوری در دوران کهولت *کلیدها:صبر*

**۱۰:حضرت صالح:**بیرون آوردن ناقه*(بچه شتر)*از دل کوه به اذن خدا

کلیدها:ناقه-کوه-شتر-ثمور

**۱۱:حضرت یونس:**افتادن در دریا و بلعیده شدن توسط نهنگ و زنده ماندن *کلیدها:دریا-شکم ماهی-نهنگ*

**۱۲:حضرت محمد:**آمی بودن ایشان،معراج و گذشتن از سدره المنتهی،شق القمر،آمدن نام ایشان در کنار نام خداوند، سوگند خوردن خداوند به نام آن حضرت در قرآن،شفاعت گری ایشان در روز قیامت

کلیدها:مهطفی-فاتم الانبیاء-هنگ آمد-بهرنیل-همنشینی با فرا-سوگند فرا-سدره-براق-

معراج-شق القمر

**۱۳:حضرت داوود:**آواز خواندن و کتاب معروف ایشان به نام زبور

کلیدها:زبور

**۱۴:امام علی:**بخشیدن انگشتر در رکوع،جنگاوی های ایشان در جنگ های أحد،خیبر*(فتح قلعه و کندن در آن قلعه)*،خوابیدن در بستر پیامبر*(لیله المبیت)*، گریه های شبانه بر سر چاه،یتیم نوازی،ضربت خوردن در شب قدر،مدار کردن با قاتل خودش،جنگ خندق و رفتارش با عمرو بن عبدود

*کلیدها:ذوالفقار-اهر-فندق-قلعه فیبر-صولت هیدری-بیدر کار-پاه-لافتی الا علی و لاسیف الا ذوالفقار-گرا و انگشتر-رکوع-نگین-پاه-کوفه-یتیم نوازی-قبر*

**۱۵:امام حسین:**واقعهٔ کربلا و عاشورا

کلیدها:کربلا-شهید سربربریه-تشنگی-هفتاد ورو تن

👉 **مهمترین شخصیت های عاشقانه:**

**۱:لیلی و مجنون:**قیس بن عامر*(مجنون)* از غم دور بار دیوانه شده و سر به بیابان می گذارد و در فراق یار جان می دهد.

کلیدها:لیلی-مجنون-دیوانه-سهراب-ابن سلام

**۲:خسرو و شیرین:**عاشق شدن خسرو*(پسر اتوشیروان)* بر شیرین و وجود رقیبی عشقی به نام فرهاد که خسرو برای فرهاد شرط می گذارد*(کندن کوه بیستون)* و در آخر رسیدن و کامیابی خسرو و ناکامی و نرسیدن فرهاد به شیرین

کلیدها: فسرو- فرهار- کوه بیستون- شکر- قصر شیرین- شب‌ریز(نام اسب فسرو)

۳: **بیژن و منیژه:** اسیر شدن بیژن به دست افراسیاب و زندانی شدن بیژن در جاهی عمیق و در آخر نجات یافتن بیژن به دست رستم

کلیدها: پاه- توان

۴: **شیخ صنعان:** عاشق شدن شیخ صنعان بر دختر تُرسا و ترک دین که در نهایت توبه میکند و مسلمان می شود.

کلیدها: زُتار- بت- صنعان- تُرسا

۵: **ویس و رامین**

۶: **وامق و عذرا**

۷: **مهر و وفا**

### مهمترین وقایع تاریخی، افسانه ها و اساطیر:

۱: **گذشتن رستم از هفت خوان، کشته شدن رستم به دست شغاد:**

کلیدها: رستم- رفش- زال- سهراب- سام- رستان- افراسیاب- سیمرغ- رستان- تهمینه- شغاد-

تا برادر

۲: **گذشتن سیاوش از آتش، کشته شدن سیاوش به دست افراسیاب در**

**سرزمین توران:**

کلیدها: کیکاویوس- کوه آتش- شاه ترکان(افراسیاب)- شاه توران- سودابه(نامادری سیاوش)

۳: **افراسیاب رویین تن**

۴: **پرندهٔ سیمرغ**

۵: **ضحاک و فریدون و قیام کاوهٔ آهنگر:**

کلیدها: مار دوش- اژدها- قیام- آژی دهاک- آفریدون- پرمایه

۶: **داستان جنگ اسکندر با دارا(داریوش سوم):**

کلیدها: آئینه اسکندری

۷: **داستان نرون(امپراطور ستم پیشهٔ رم):**

کلیدها: نرون- رم- ستم و ظلم

۸: **داستان بهرام:**

کلیدها: گور- بهرام گور

۹: **داستان حسین بن منصور:**

کلیدها: هلاج- اسرار- انا الق- دار

۱۰: **داستان خسرو پرویز و طاق کسری**

۹: **جمشید و سلطنت وی:**

کلیدها: پام- تفت- انگشتری

### مهمترین باورها و اعتقادات عامیانه:

۱: **ماه و دیوانه:** دیوانه با دیدن ماه حالش بدتر می شود

۲: **پریدن پلک:** نشانهٔ رسیدن مهمان

۳: **اجرام آسمانی:** تأثیر اجرام آسمانی در سرنوشت آدمیان

### مهمترین آیات و احادیث:

۱: **«أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ وَفَأَبَيْنَ أَنْ**

**يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا**»

**معنی:** ما امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم؛ پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند و انسان آن را برداشت، براستی او ستمگری نادان بود.

۲: **«تَعَزَّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلَّ مِنْ تَشَاءٍ»**

**معنی:** هر که را بخواهی، عزیز می کنی و هر که را بخواهی ذلیل می کنی.

۳: **«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ شَيْئًا إِنْ يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»**

**معنی:** هنگامی که خدا بخواهد چیزی را بیافریند، می گوید بشو، پس می شود.

۴: **«أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ أَنَّهُ ظَغْيٌ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا»**

**معنی:** به سوی فرعون بروید؛ همانا او سرکشی کرده است و با او به نرمی سخن بگویید.

۵: **«أَشْهَدُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمُ السَّتَّ بَرَكُمُ، قَالُوا بَلَىٰ»**

**معنی:** ایشان را بر خودشان گوه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم؛ گفتند چرا!

۶: **«اطلبوا العلم من المهدى الى اللحد»**

**معنی:** از مهد تا گور دانش بجوی.

۷: **«الدنيا مزرعة الآخرة»**

**معنی:** دنیا مزرعهٔ آخرت است.

۸: **«إلا بذکر الله تَمَطَّنُ الْقُلُوبُ»**

**معنی:** دلها فقط با یاد خدا آرامش می یابد.

۹: **«الدهر یومان، یومٌ لک و یومٌ علیک»**

**معنی:** روزگار دو روز است، یک روز با تو و یک روز علیه تو.

۱۰: **«اعملوا آل داود شکراً و قلیل من عبادی الشکور»**

**معنی:** ای آل داود شما شکر وستایش خدا به حای آرید. از بندگان من عدهٔ کمی شکر گزارند.

۱۱: **«الصبر مفتاح الفرج»**

**معنی:** صبر کلید پیروزی است.

۱۲: **«أَنَا لِلَّهِ و انا الیه الراجعون» و «کل شیء یرجع الی اصله»**

**معنی:** همه از خدایم و به سوی او باز می گردیم.

۱۳: **«العالم محضر الله لا تعصوا فی محضره»**

**معنی:** دنیا محضر خداست، در محضر او گناه نکنید.

۱۴: **«الله نور السماوات والارض»**

**معنی:** خدا نور آسمان و زمین است.

۱۵: **«العبد یدبر و الله یقدر»**

**معنی:** بنده تدبیر می کند در حالی که تقدیر به دست خداست

۱۶: **«قُلْ كُلٌّ یعمل علی شاکلته»**

**معنی:** بگو هر چیزی برحسب ذات خود عملی انجام می دهد.

۱۷: **«أما المومن إخوه»**

**معنی:** مومنان برادر یکدیگرند.

۱۸: **«أنی خالقٌ بشراً من طین»**

**معنی:** من بشری از گل می آفرینم.

۱۹: **«خلق الانسان من صلصالٍ کالفخار»**

**معنی:** انسان را از گل خشکیده ای سفال مانند، آفرید.

۲۰: **«إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِيفَةً»**

**معنی:** و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

۲۱: **«أما المومن إخوه»**

**معنی:** مومنان برادر یکدیگرند.

۲۲: **«و نحن اقرب الیه من حبل الوریذ»**

**معنی:** ما از رگ گردن به شما نزدیک تریم.

۲۳: **«لعمرك أنهم لفی سكرتهم یعمهون»**

**معنی:** به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان بودند.

۲۴: **«کل نفس ذائقة الموت»**

**معنی:** هرکسی طعم مرگ را می چشد.

۲۵: **«و أن لیس لانسان إلا ما سعی»**

**معنی:** تو اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

۲۶: **«لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار»**

**معنی:** چشم ها او را در نمی یابن و اوست که دیدگان ا درمی یابد.

۲۷: **«فتبارک الله أحسن الخالقین»**

**معنی:** پس آفرین بر خدا که نکوترین آفریدگاران است.

۲۸: **«حاسبوا قبل أن تحاسبوا»**

**معنی:** به حساب خود برسید قبل از آن که به حسابتان رسیدگی شود.

۲۹: **«أنی اعلم ما لا تعلمون»**

**معنی:** من چیزی میدانم که شما نمی دانید.

۳۰: **«کل یوم عاشورا و کل أرض کر بلا»**

**معنی:** همهٔ روزها عاشورا و همهٔ جاها کربلاست.

۳۱: **«نفخت فیهِ من روحی»**

**معنی:** از روح خود در او دمیدم.

۳۲: **«و لا تبدیل لخلق الله»**

**معنی:** آفرینش خدا تغییر ناپذیر است.

۳۳: **«و لکم فی القصاص حیوه»** **معنی:** قصص برای حفظ حیات شماس.

۳۴: **«و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی»**

**معنی:** تونبودی که می انداختی ولیکن خدا بود که می انداخت.

۳۵: **«و لا تحسبن الذین قُتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم**

**یُرزقون»**

**معنی:** کسانی که در راه خدا کشته می شوند مرده مچندارید، بلکه آنها زنده اند و در نزد پروردگارشان رزق و روزی داده می شوند.

۳۶: **«یا ملائکتی قد استحییبت من عبدی و لی له غیری فقد عَفَرْتُ لَهُ»**

**معنی:** ای فشتگانم من از بندهٔ خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد، پس آمرزیدمش.

۳۷: **«لئن شکرتم لأزیدنکم»**

**معنی:** اگر پساس گزارید، بر نعمتان می افزایشم.

۳۸: **«یا ملائکتی قد استحییبت من عبدی و لی له غیری فقد عَفَرْتُ لَهُ»**

**معنی:** ای فشتگانم من از بندهٔ خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد، پس آمرزیدمش.

### مثال ها

#### خورده ست خدا ز روی تعظیم

سوگند به روی هم چو ماهت (هنر ۸۳)

اشاره به سوگند خوردن فردا به اسم حضرت محمد(ص)

از سر یک دانه گندم در نمی آری گذشت

وز برای نزهت دل باغ رضوان بایدت (زبان ۹۵)

اشاره به رانزه شدن حضرت آدم از بهشت.

گوشه گیران قفس را نکهت گلشن بس است

دیدهٔ کنعانیان را بوی پیراهن بس است (انسانی ۹۵)

اشاره به داستان حضرت یوسف(ع)

هر که لب های تو را چشمهٔ حیوان شمرد

بی نصیب است هنوز از صفت انسانی (زبان ۹۴)

اشاره به داستان چشمهٔ آب حیات

طالب لعل توام کان که به ظلمات افتاد

طلب چشمهٔ حیوان نکند، چون نکند؟ (هنر ۹۴)

اشاره به داستان چشمهٔ آب حیات

آن چه می دانند ماتم تن پرستان، سور ماست

دار، نخل دیگران وراثت منصور ماست (ریاضی ۹۴)

اشاره به داستان حسین بن منصور هلاج

عشق کو تا گرم سازد این دل رنجور را؟

در حریم سینه افزود چراغ طور را (فارغ ۹۳)

اشاره به ماجرای حضرت موسی(ع) و کوه طور



## حسن تعلیل.....

آوردن دلیلی زیبا و غیر علمی برای یک پدیده و یا به عبارتی ادبی ترا! حسن تعلیل آوردن علتی ادبی و ادعایی است برای امری، به گونه ای که بتواند خواننده را قانع کند. این علت سازی عموماً مبتنی بر تشبیه است و هنر آن زشت یا زیبا نمودن چیزی است. با وجود این حسن تعلیل، واقعی، علمی یا عقلی نیست ولی مخاطب آن را از علت اصلی دلپذیرتر مییابد.

### نکات

در حسن ن تعلیل باید برای یک پدیده «واقعی و اتفاق افتاده» دلیلی غیرواقعی بیاوریم!

درک و معنی درست بیت برای پیدا کردن «حسن تعلیل» بیش از پیش مهم و کاربردی است

بار دیگر تأکید می کنیم، هر دلیلی، باعث ایجاد حسن تعلیل نمی شود! دلیل باید خیال انگیز، شاعرانه و غیر واقعی باشد

در حسن تعلیل پیدا کردن «اتفاق واقعی» و همچنین «ادات تعلیل» میتواند در رسیدن به پاسخ ما را کمک کند.

ادات تعلیل: از آن، که بز، زان، تا، چون و...

### مثال ها

پسته دهن بسته از آن بود که ندارد

چربی و شیرینی زبان که تو داری (فارج ۱۸۵)

شاعر دلیلی شاعرانه و خیال انگیز برای «بسته بودن بسته» آورده است.

از آن دل بستگی دارد دل ما با سر زلفش

که هر تازی ز گیسویش رگی با جان ما دارد (تجربی ۹۸)

شاعر علتی شاعرانه برای «دل بستگی دل عاشق به زلف معشوق» آورده و آن هم این است: تار گیسوی معشوق با جان عاشق وصل و پیوندی دارد

در وداع شب همانا خون گریست

روی خون آلود ز آن بنمود صبح (انسانی ۸۸)

شاعر دلیلی شاعرانه و خیال انگیز برای «سرخ رنگ بودن آسمان در اوایل صبح» آورده است. و آن هم فون هم فون گریه کردن در وداع شب است.

عجب نیست از خاک اگر گل شکفت

که چندین گل اندام در خاک خفت (فارج ۱۸۵)

شاعر دلیلی شاعرانه و خیال انگیز برای «شکفتن گل از خاک» آورده است. و آن هم مدفون شدن زیبارویان در خاک است.

سیل در هامون، صدا در کوه، می دانی چه بود؟

از غم من کوه می نالید و هامون می گریست (هنر ۹۳)

شاعر دلیلی شاعرانه و خیال انگیز برای «صدا در کوه و سیل در دشت» آورده است. و آن هم نالیدن و همدردی با شاعر است.

## اسلوب معادله.....

آرایه ای که در آن شاعر، یک مصراع را به عنوان مصداق و مثالی برای مصراع اول می آورد.

این که مفهومی در یک سو و مصداقی در یک سوی دیگر بیت قرار گیرند یا این که ادعایی در یک سو مطرح شود و برای توجیه آن

حکمتی یا نمونهایی از عالم خارج برای آن آورده شود. ببینید:

اشک ندامت است سیه کار را فزون

در تیرگی زیاده بود ریزش صحاب (تجربی ۹۱)

همانطور که مشاهده می کنید، مصراع دوم در کلم مصداق و مثالی برای مصراع اول است.

عیب پاکان زود بر مردم هویدا می شود

موی اندر شیر خالص زود پیدا می شود (صائب تبریزی)

همانطور که مشاهده می کنید، مصراع دوم در کلم مصداق و مثالی برای مصراع اول است.

### نکات

در اسلوب معادله میتوان بین دو مصرع علامت (=) قرار داد و یا از لفظ(همانطور که) استفاده کرد!

اشک ندامت است سیه کار را فزون (همانطور که)

در تیرگی زیاده بود ریزش صحاب (تجربی ۹۱)

در اسلوب معادله میتوان جای دو مصراع را عوض کرد!

در اسلوب معادله دو مصرع باید کاملاً مستقل باشند به عبارتی ساده تر میتوان گفت که دو مصرع کاملاً از لحاظ دستوری استقلال داشته باشند و از هم تفکیک پذیر باشند، هیچ حرف ربطی یا حرف شرطی یا چیز دیگری که حتّی در معنای دو مصراع را به هم مرتبط سازد(مصرعی در ادامه و تکمیل کننده ی مصرع دیگر باشد)، یافت نشود.

لاصرف وجود «حروف ربط» یا «حروف اضافه» ابتدای مصراع دوم، دلیل قانع کننده ای برای ردّ کردن اسلوب معادله نیست! مثلاً حرف ربط «که» در صورتی که «پیوند وابسته ساز نباشد» خللی در اسلوب معادله ایجاد نمی کند! ببینید:

ز دل زنگ کدورت چشم خون پالا نمی شوید

که سبزی را می گل رنگ از مینا نمی شوید

ابتدا باشد شرط مصداق و نمونه بودن یکی از مصراع ها برای مصراع دیگر را کنترل کنیم سپس دنبال استقلال مصرع ها و امکان جابه جایی آن ها برویم. ببینید:

فزود آتش من آب را خبر ببرید

اسیر می بردم غم ز کافرم بخريد (مولانا)

در اینجا میتوان جای دو مصراع را عوض کرد و استقلال آنها را ثابت کرد!

اما هیچ یک از مصراع ها مصداق یا نمونه ای برای مصراع دیگر نیست! پس اسلوب معادله نراریم

بنیان اسلوب معادله بر تشبیه بنا شده است و حتّی میتوان گفت که اجزای دو مصراع را میتوان دو به دو متناظر و معادل هم قرار

داد! (تکنیک اسلش، مساوی) ببینید:

حریص را نکند نعمت دو عالم سیر

همیشه آتش سوزنده اشتها دارد (صائب تبریزی)

هریص / سیر کنتر = آتش / اشتها دارد

مشت آبی می کند خواب گران را تارومار

قطره ی اشکی پی ویرانی عالم بس است (هنر ۹۵)

مشت آبی / فواب گران / تارومار = قطره اشکی / علم / ویرانی

### مثال ها

شود از مَهر خموشی دل خامش گویا

جوش می در جگر خم ز سر بسته بود (ریاضی ۹۸)

مصراع دوم مصداقی است برای مصراع اول (مهر خموشی / گویا شرن = فم سر بسته / جوش داشتن می)

از تهی مغزی است امید گشاد از ماه عید

ناخن تنها برای پشت سر خاریدن است (انسانی ۹۸)

مصراع دوم مصداقی است برای مصراع اول (ماه عید / امید گشاد تراشتن = نافتن / تنها برای پشت قاریرن است)

دل چو شد غافل ز حق فرمان پذیر تن بود

می برد هر جا که خواهد اسب، خواب آلوده را (ریاضی ۹۵)

مصراع دوم مصداقی است برای مصراع اول (دل غافل از حق / تن افرمان پذیر = فواب آلوده / اسب / اهریبا که فواهد برد)

پیر چون زنده دل افتد، ز جوان کم تر نیست

می برد زنگ ز دل صبح به گیسوی سفید (ریاضی ۹۷)

مصراع دوم مصداقی است برای مصراع اول (پیر / زنده دل / جوان بودن = صبح / گیسوی سفید / ازنگ ز دل بردن)

بهره ی خواجه ز اسباب به جز محنت نیست

عرق از بار گران قسمت حمّال شود (تجربی ۹۶)

مصراع دوم مصداقی است برای مصراع اول (فواجه / اسباب / محنت = حمّال / بارگران / اعرق)

## ایهام.....

در لغت یعنی «به گمان افکندن» و در اصطلاح آوردن واژه یا عبارتی است که دو معنی نزدیک به ذهن و دور ذهن داشته باشد به طوری که هر دو معنی آن قابل قبول بوده و هیچ خللی در معنای بیت ایجاد نکنند!

### نکات

در واقع ایهام به گونه ای است که ذهن بر سر دو راهی قرار می

گیرد! و زمانی میتوان آرایه ایهام را دریافت که آگاهی کامل و

جامعی از معانی مختلف واژگان و عبارات داشته باشیم.

مهمترین واژگان ایهام ساز در ادبیات فارسی:

واژه	معنی	معنی
آهو	غزال	عیب
آیت	نشانه	آیه قرآن
افتاده	فروتن	افتاده بر زمین
بار	مرتبّه	میهوه درخت
	اجازه حضور	محموله
برآمدن	طلوع کردن	ممکن شدن
بو	رایحه	آرزو
بوستان	باغ	اثری از سعدی
روان	جاری	روح
حد	اندازه و مقدار	مجازات شرعی
خویش	خود	خویشاوند
مردم	مردم	مردمک چشم
پروانه	نوعی حشره	اجازه، جواز
شانه	کتف	ابزاری برای آراستن مو
عهد	روزگار	پیمان
نگران	دلواپس	ببینده، ناظر
دوش	کتف	دیشب
باد	جابه جا شدن هوا	فعل دعایی به معنی باشد
پرده	آهنگ و نغمه	پوشش و حجاب
گوشه	نغمه های موسیقی	کنج
کام	آرزو	سقف دهان
زاد	توشه	فعل از مصدر زادن
خود بینی	خود را دیدن	غرور
باری	طریق و راه	به هر حال
نوبت	دفعه، مرتبه	نقاره، طبل بسیار بزرگ
مدام	همواره، پیوسته	شراب
محیط	اقیانوس	احاطه کننده، دربرگیرنده

واژه	معنی	معنی
چشم	دیده، نظر	اطاعت
کی	پادشاه	چه زمانی؟
هزار	بلبل	۱۰۰۰
سو	طرف، جهت	توان بینایی
چنگ	پنجه، دست	نوعی ساز
عود	چو سوختنی خوش بو	نوع ساز
نی	نیشکر	نوعی ساز
ضرب	ضربه	نوعی ساز
سفینه	کشتی	دیوان شعر
بینوا	بی صدا	بیچاره
صبر	شکیبایی	گیاهی تلخ
قصور	نقص و کاستی، کوتاهی	قصرها
آشنا	شناخته شده	شنا
دیده	چشم، نظر	دیده شده
غریب	بیگانه و بی کس	شگفت انگیز و عجیب
گور	قبر	نوعی حیوان
بادیه	صحرا	کاسه بزرگ
روزی	رزق و روزی	یک روز
ماهی	نام حیوانی آبی	یک ماه
سرگرم	مشغول	مست
فرق	تفاوت	فرق سر
خطر	ناامنی	اعتبار
تنگ	مقابل فراخ	یک لنگه از بار، محموله
تار	رشته	تاریک
به	بهتر	میوه به
نای	حلقوم	نی
آهنگ	قصه	نغمه و نوا
آب	آب!	آبرو و رونق
گوی	شیء کروی	بن مضارع گفتن
بالا	مقابل پایین	قد
طاق	سقف	یگانه، یکتا، تنها
جهان	دنیا، گیتی	چهنده
میان	وسط، بین	کمر
قربان	فدایی، قربانی	کماندان
مشری	خواهان	سیاره مشتری
مخفی	پنهان	لقب زیب النساء

واژه	معنی	معنی
کیش	آیین و مذهب	تیردان
که	چه کسی	حرف ربط
نهاد	قرار داد	ذات و سرشت
دستان	لقب زال	مکر و حيله
بهشت	فردوس	فعل از مصدر «هشتن»
پیاده	مقابل سواره	مهره ای در شطرنج
دور از تو	در هجران تو	دور از تو باشد
نواختن	نوازش کردن	زدن
باقی	ماندگار	باقی مانده
دیوان	دفتر شعر	شیاطین
لاله	نام گل	نوعی چراغ
باز	پرنده شکاری	دوباره
چین	پیچ و تاب	نام کشوری
حدیقه	نام اثری از سنایی	باغ
دارا	ثروتمند	نام پادشاهی (داریوش)
حلاج	پنجه زن	حسین بن منصور حلاج
خسرو	پادشاه	خسرو پرویز
دستان	لقب زال	مکر و حيله
دور اندیش	عاقبت نگر	کسی که دور را نگاه می کند
راست	سمت راست	درست و صحیح
رخ	روی، چهره	نام مهره ای در شطرنج
راح	شادمانی	شراب
رود	رودخانه	نوعی ساز
روی	مقابل زیر	چهره
زال	پیر فرتوت	فرد سفیدمو
شکر	ماده ای شیرین	معشوقه خسرو پرویز
شمس	شمس تبریزی	خورشید
شور	مزه شور	هیجان
شیرین	مزه شیرین	معشوق خسرو و فرهاد
عین	چشمه	چشم
قابل	قبول کننده	لایق و سزاوار
کنار	آغوش	ساحل و کنار
لب	لب!	کنار، لبه
ماه	سی روز	قمر

واژه	معنی	معنی
منصور	پیروز	حسین بن منصور حلاج
مهر	محبت	خورشید
سواد	توانایی خواندن و نوشتن	سیاه
ضحاک	پادشاه ماردوش فرزند مرداس	خنده کننده
تیر	سیاره عطارد	تیر کمان
پیل	فیل	نام مهره ای در شطرنج
خلیل	دوست	لقب حضرت ابراهیم (ع)
خמוש	تخلص مولانا	ساکت و خاموش
شهریار	تخلص محمدحسین بهجت	پادشاه
پروین	مجموعه ای از ستارگان	نام شاعر
سابه	تخلص هوشنگ ابتهاج	سابه!
سهم	ترس	بهره
دار	ابزار اعدام	خانه
قانون	قانون!	نوعی ساز
داد	فریاد	عدل
قلب	تقلبی	دل
بهبابی	ارزشمند	نام شاعر
شاهد	مشاهده کننده	زیبا رو، معشوق
فسرده	یخ زده، منجمد	غمگین و افسرده
بی خبر	بی هوش	بی اطلاع
عقده	گره	بیماری روحی
حافظ	نگه دارنده	نام شاعر
چپ	سمت چپ	دودبی، احوال
مجنون	لقب قیس بنی عامر	دیوانه
بادیه پیما	صحرا نورد	شراب نوش
تاب	تاب و توان	تابش
تمام	تمام و کمال	بس، کافی
بی وزن	بی ارزش و اعتبار	بی وزن، سبک
خشت	آجر خام	نوعی نیزه کوچک
درگرفتن	شعله ور شدن آتش	اثر کردن
دام	تله	حیوان اهلی، مقابل دد
راه	طریق	نغمه و آهنگ
شکسته	شکسته شده	از نوه های موسیقی
سپید	سفید	قالب شعری

## ایهام تناسب

آوردن واژه یا عبارتی با حداقل دو معنی که یک معنی آن

پذیرفتنی و قابل قبول است اما معنی دیگر فقط با برخی دیگر از

اجزاء کلام تناسب دارد ولی پذیرفتنی نیست. **بینی**،

زهره سازی خوش نمی سازد مگر عودش بسوخت

کس ندارد ذوق مستی می گساران را چه شد؟ (انسانی ۸۶)

عود! نوعی ساز قابل قبول (۲) پوب سوختنی فوش بو (تناسب با سوختن) غیر قابل قبول

جای خنده است سخن گفتن شیرین پیشت

که آب شیرین چو بخندی برود از شکرت (ریاضی ۹۸)

شکر! شکر! قابل قبول (۲) همسر فسرو پرویز (تناسب با شیرین) غیر قابل قبول

## نکات

در ایهام تناسب دو کار باید انجام دهیم:

۱) شناسایی واژه ایهام ساز

۲) تشخیص تناسب است!

منظور از تناسب همان «مراعات نظیر» است!

تفاوت ایهام و ایهام تناسب: در ایهام، هر دو معنی قابل قبول و

پذیرفتنی است اما در ایهام تناسب فقط یکی از معانی قابل قبول

است

ایهام و ایهام تناسب دو آرایه ی جدا هستند و نباید آنها را زیر

مجموعه هم بگیریم! «کدام گزینه ایهام ندارد؟» یعنی گزینه ای که

فقط ایهام ندارد! نه «ایهام و ایهام تناسب»

## مثال ها

چرا ملامت خواجه کنی که چون فرهاد

به پای دوست درافکنند جان شیرین را؟ (تبری ۹۳)

شیرین! لزت بفش قابل قبول (۲) معشوقه فسرو (تناسب با فرهاد) غیر قابل

قبول

آنچه می دانند ماتم تن پرستان، سور ماست

دار، نخل دیگران و راییت منصور ماست (ریاضی ۹۴)

منصور! پیروز قابل قبول (۲) حسین بن منصور (تناسب با دار) غ ق ق

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد

زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما (حافظ)

آیت! نشانه قابل قبول (۲) آیه قرآن (تناسب با تفسیر) غ ق ق

آخر ای مطرب از این پرده عشاق بگرد

چند گویی که مرا پرده به چنگ تو درید (سعدی)

عشاق! عاشقان قابل قبول (۲) اصطلاح موسیقی (تناسب با پانگ و مطرب) غ ق ق

## جمع بندی طلایی

## اغراق

اغراق ادعای وجود ویژگی و صفت هایی در کسی یا چیزی به اندازه ای که بدست آوردن آن ویژگی یا صفت ها برای آن کس یا آن چیز به آن اندازه غیر ممکن باشدنام دیگر آن«مبالغه یا بزرگ نمایی» است! *بینید:*

بشد تیز رهام با خود و گبر

همی گرد رزم اندر آمد به ابر (فردوسی)

*در مصرع دوم اغراق واضح است اگر رزم به ابر آمدن!*

که گفتت پرو دست رستم ببند

نبندد مرا دست چرخ بلند (فردوسی)

*نبرد مرا دست پرخ بلند! اغراق واضح است.*

## نکات

شاعر به کمک اغراق معانی خُرد را بزرگ و معانی بزرگ را خُرد جلوه می دهد

اغراق،غیرممکن ومحال را به گونه ای جلوه میدهد که ممکن به نظر برسد.

نسبت دادن ویژگی ها و صفات بیش از حد معمول که در نتیجه

«استعاره» یا «تشبیه» ایجا شده باشد،نیز«اغراق» محسوب می شود.

اغراق مناسب ترین آرایه برای«حماسه» است! البت هدر گونه های دیگر ادبیات هم اغراق دیده می شود.

## مثال ها

فلک باخت از سهم آن جنگ،رنگ

بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ (فارسی ۲)

اغراق در شرت مبارزه

اگر یک لحظه امشب دیر جنبد

سپیده دم جهان در خون نشیند (فارسی ۲)

اغراق در شرت مبارزه

ربع از دلم پر خون کنم،خاک دمن گلگون کنم

اطلال را جیحون کنم،از آب چشم خویشتن (فارج ۱۵)

اغراق در گریستن!

## تناسب

آوردن واژه هایاز یک مجموعه که باهم تناسب دارند! این تناسب

میتواند از نظر جنس،مکان،همراهی،زمان،نوع و... باشد *بینید:*

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد

چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد (حافظ)

*سمن،ارغوان،نرگس،شقایق(مجموعه گیاهی!)*

## نکات

برای ایجاد مراعات نظیر(تناسب)،تناسب بین حداقل دو واژه کافی است!

## مثال ها

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

یادم از کشتهٔ خویش آمد و هنگام درو (حافظ)

مزرع،داس،کشته،درو (مربوط به کشاورزی)

ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن

تأثیر اختران شما نیز بگذرد(سیف فرغانی)

طالع ، اختر (طالع را از روی اختران می فهمند! پس با هم تناسب ار تر)

بسی تیر ودی ماه و اردیبهشت

بر آید که ما خاک باشیم و خشت (سعری)

تیر،دی،اردیبهشت (همگی مربوط به زمان!)

شوداز مَهر خموشی دل خاموش گویا

جوش می در جگر خُم ز سر بسته بود(ریاضی ۹۸)

می ، مُم (همگی مربوط به می!)/ بگر،سر،دل (اعضای بدن انسان!)

## تضاد

آورد دو یا چند واژه در سخن که مقهاسی متضاد هم داشته باشند.

نام دیگر آن«طباق» است . *بینید:*

در نیابد حال پخته هیچ خام

پس سخن کوتاه باید،والسّلام (مولوی)

پخته ، قام (متضاد)

## نکات

تضاد ممکن است بین دو «اسم»،دو«صفت»، دو«فعل»، دو«قید»، دو«اسم مصدر» و.... باشد.

گاهی تضاد ممکن است خیلی آشکار نباشد و باید دقت بیشتری کنیم. *بینید:*

زشت باید دید و انگارید خوب

زهر باید خورد و انگارید قند (مولوی)

زهر ، قند (متضاد)

تضاد های فعلی را خیلی دقت کن!!چونگاهی پنهان می ماند.

*بینید:*

اوج ولت سفله طبعان را دو روزی بیش نیست

خاک اگر امروز بر چرخ است فردا زیر پاست (مولوی)

است(پاست،است) ، نیست (متضاد)

## زبان وادبیات فارسی

گاهی واژه های متضا میتوانند با هم تناسب هم داشته باشند.

گاه در تضاد بین دوفعل مثبت و منفی،پیشوند های منفی ساز از فعل جدا می شود!پس دقت کن. *بینید:*

من امروز نز بهر جنگ آمدم

بی یوزش و نام وننگ آمدم (فردوسی)

نیامدم ، آمدم (متضاد)

## مثال ها

کلید صبح به دست و سرود عشق به لب

ز انتهای شب آن شهسوار می آید (زبان ۱۹)

صبح ، شب (متضاد)

نهد در نار ، نور و مهره در مار

دهد از نیش نوش و خیری از خار(انسانی ۱۸)

نیش،نوش (متضاد) فیری (در معنای مجازی یعنی هر نوع گل) ، خار (متضاد)

قمری باغ او منم تا بشناسیم ببین

داغ جفا به سینه ام طوق وفا به گردنم(انسانی ۱۸)

وفا ، جفا (متضاد)

کسی با او نه و او با همه کس

نماند هیچ کس او ماند و بس(انسانی ۱۸)

همه ، هیچ (متضاد) نه(نیست) ، است (مترف به قرینه لفظی) (متضاد) کسی با او

نیست ، او با همه کس است (متضاد)

جان می رسد به لب،من شیرین کلام را

تا حرف تلخی از دهن یار می کشم(انسانی ۹۲)

تلخ ، شیرین (متضاد)

سیلاب ظلم او در و دیوار میکند

خود رسم عدل نیست مگر در جهان برف (هنر۰۹)

عدل،ظلم (متضاد)

## پارادوکس

جمع شدن اضداد را گویند! به عبارتی کامل تر، جمع کردن دو صفت

یا دو مفهوم متضاد و نسبت دادن همزمان آن به یک پدید را پارادوکس

گویند نامهای دیگر آن«تناقض،متناقض نما» است . *بینید:*

کی شود این روانِ مــــن ساکن

ایــــن چنین ساکنِ روان که منم (مولوی)

ساکنِ روان (ساکن و روان دو مفهوم متضاد هم هستند که به صورت همزمان به یک پدیده

نسبت داده شده اند)

## مؤلف:امیدمیران

## نکات

پارادوکس معمولاً به سه شکل ظاهر می شود که ما آنها را به صورت زیر نام گذاری کرده ایم:

ا)به صورت ترکیب(واضح و آشکار):

بدین گویم زهی خاموش گویا

بدان گویم زهی گویای خاموش (سنایی)

گویای خاموش

## ا)off-on:

کسی که وسعت او در جهان نمی گنجد

به خانه ی دل من آمده است (امین پور)

مصرع اول در کلم( off) و مصرع دوم در کلم(on)

ا)ذاتی و طبیعی:

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی

از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی (حافظ)

باد زاتا و طبیعتاً باعث خاموشی پراغ می شود اما در اینجا پراغ دل را روشن کرده است!

هامنطور که در مثال های بالا دیدی،ارادوکس میتواند در قالب یک

ترکیب اضافی یا وصفی نمایان شود و یا اینکه به صورت جمله یا

مفهوم در بیت پراکنده شود. *بینید:*

گناه شرمگینان را چو صائب

زبان بی زبانی عذر خواه است (صائب تبریزی)

زبان بی زبانی

شمع دل را روشنی در وقت خاموشی بود

راحتی گر هست در خواب فراموشی بود(صائب)

روشنی شمع هنگام خاموشی است.

پارادوکس را با تضاد اشتباه نگیرید! در تضاد دو واژه یا مفهوم متضاد به صورت جدا از هم آمده اند اما در پارادوکس دو مفهوم ، همزمان به

یک پدیده نسبت داده می شوند.

## مثال ها

حاصل ذوق و هنر خون جگر بود مرا

این هم از بی هنری های هنر بود (ریاضی ۱۹)

بی هنری های هنر

آتش سردی که بگدازد درون سنگ را

هر که را بوده است آه سرد،می داند که چیست (ریاضی ۱۷)

بی هنری های آتش سرد



## جمع بندی طلایی

📌 به یاد کاکل پرتاب و زلف پرجنبش

دل من است که هم جمع و هم پریشان است (فارح ۱۵)

👉 هم جمع و هم پریشان

📌 به یاد کاکل پرتاب و زلف پرجنبش

دل من است که هم جمع و هم پریشان است (فارح ۱۵)

👉 هم جمع و هم پریشان

📌 ز بندگی شما صد هزارم آزادی است

که سلطنت کند آن کاو بود گدای شما (فارح ۹۵)

👉 گدای سلطنت کنده

📌 خامشی از کرده های بد به فریادم رسید

بی زبانی ها زبان عذرخواهی شد مرا (فارح ۹۵)

👉 بی زبانی زبان عذرخواهی شد

📌 دعوی هستی در این میدان دلیل نیتی است

هر که فانی می شود موجودمی دانیم ما (فارح ۹۵)

👉 مضرع دوم کاملاً واضح است که پارادوکس دارد!

📌 همه اسباب پریشانی ما جمع آمد

تا ز مجموعهٔ آن زلف پریشان شده ایم (هنر ۱۷)

👉 مجموعهٔ زلف پریشان!

📌 گویایی سکوتم و بی تابی درنگ

تمکین بی قراری ام و بی قرار هیچ (هنر ۱۷)

👉 گویایی سکوت

📌 بی قیمتی ما ز گران مایگی ماست

کاین چرخ فرومایه ندارد ثمن ما (زبان ۹۲)

👉 بی قیمتی از گران مایگی

📌 ره رستگاری در افکندگی است

که خورشید، جمع از پراکندگی است (زبان ۹۲)

👉 رستگاری در عین افکندگی / جمع بودن / پراکندگی

📌 در ره عشق مسلمان نتوان گفت او را

که به کفر سر زلفت نبود ایمانش (زبان ۹۲)

👉 ایمان داشتن به کفر که موجب مسلمانی هم باشد!

📌 عجب مدار که در عین درد خاموشم

که درد یار پری چهره عین درمان است (ریاضی ۱۶)

👉 درمان بودن دردا

📌 از آن زمان که زمین بوس آستان توام

سر ملوک جهان جمله بر زمین من است (ریاضی ۱۶)

👉 فرمانروایی در عین زمین بوس بودن!

## حس آمیزی.....

📌 آمیختن دو یا چند حس! و یا آمیختن ویژگی های چند حس ب هم

پنید:

👉 جواب تلخ شنیدن ز لعل میگونت

چو تلخی می ناب آورد فرحناکی (هلالی جغتایی)

تلخ شنیدن (تلخ مربوط به پشاییو شنیدن مربوط به شنوایی است!)

📌 نکات .....

📌 در حس آمیزی گاهی یک حس را به چیزهای انتزاعی و یا بدون حس نسبت مدهیم.

پنید:

👉 مخوان بر زاهدان خشک طینت شعر تر صائب

که آب چشم نیسان ر صدفها سنگ می گردد(صائب)

فشک طینت / شعر تر

📌 مثال ها .....

📌 از این شعر تر شیرین ز شاهنشه عجب دارم

که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی گیرد (فارح ۱۶)

👉 شعر شیرین

📌 به ترانه های شیرین به بهانه های رنگین

بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را (فارح ۱۶)

👉 ترانه های شیرین

📌 بوی دهن تو از چمن می شنوم

رنگ تو ز لاله و سمن می شنوم (فارح ۱۶)

👉 شنیدن بو و رنگ

📌 با من به سلام خشک ای دوست تر کن

تا از مژه هر ساعت لعل ترت افشانم (انسانی ۱۷)

👉 سلام فشک

📌 ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه ایم لیک

تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است (انسانی ۱۷)

👉 تلخ شنیدن

📌 آن بلبلم که چون کشم از دل صغیر گرم

بوی محبت از نفسم می توان شنید (انسانی ۱۷)

👉 شنیدن بو / صغیر گرم

📌 نشئه دیدار شاقی رونق مستی شکست

هیچ کس بویی ز می در شیشه و ساغر ندید (تبریزی ۱۵)

👉 ندیدن بوا

## زبان وادبیات فارسی

## جناس.....

📌 واژه هایی هم جنس که گاهی فقط در معنی وگاهی در ظاهر

هم متفاوت اند. پنید:

👉 همی باد شرم آمد از رنگ اوی

همی یاد یار آمد از چنگ اوی(فردوسی)

یار - بار

📌 نکات .....

📌 جناس به طور کلی به دو نوع تقسیم می شود:

(ا)همسان(تام): دو واژه از نظر ظاهری کاملاً یکسان اما از نظر معنایی

متفاوت. پنید:

👉 گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید

عطار به یک جو نخرد نafe ی چین را(ریاضی ۸۸)

چین:اشکن پیچ و تاب / چین ۲:کشور چین

(ا)ناهمسان(ناقص): اختلاف فقط در یک حرف یا یک حرکت. پنید:

👉 خاص خواندهزار و یک نامش

عام داند هزار ویک دامش(سنایی)

تام - عام - دام (افتلاف در یک حرف)

👉 ای گدایان خرابات خدا یارذ شماست

چشم انعام مدارید ز انعامی چند(حافظ)

انعام - انعام (افتلاف در یک حرف)

📌 برای پاسخ گویی به سوالات جناس تام باید جدولی را که در قسمت

ایهام آورده شده است را خوب بلد باشید!

📌 در آخر مصرع ها واژگان تکراری اگر معنی یکسان داشته

باشند»(دیف) ولی اگر معنی متفاوت بدهند«قافیه» اند! به عبارتی

دیگر ردیف ها نمی توانند جناس تام باشند!

📌 شاخ و برگ ها تأثیری در جناس ندارند! به عبارتی علائم جمع،

(ی)«نکره،ضمایر متصل و .... در جناس بی تأثیرند و باید حذف شوند

👉 شب شد ز تارِ طرّهٔ تو روز روشنم ← تار: رشته مو / تار ۲: تاریک

روزی به دیدن شبِ تارم نیامدی(فروغی بسطامی)

📌 مثال ها .....

📌 برو ای سپر ز پیشم که به جان رسید پیکان

بگذار تا ببینم که که می زند به تیرم (سعدی)

👉 که(او ۲): حرف ربط / که (۳): چه کسی؟ (جناس تام)

📌 منگر که شه و میری،بنگ که همی میری

در زیر یکی توده،رو«کم ترکوا» برخوان (انسانی ۸۸)

👉 میری:امیر هستی / میری:میمیری (جناس تام)

## مؤلف:امیدمیران

📌 دوش از در میخانه کشیدند به دوشم

تا روز جزا مست ز کیفیتِ دوشم (انسانی ۸۸)

👉 دوش: روز گذشته / دوش: کتف (جناس تام)

📌 ابا غزال سرای و غزل سرای بدیع

بگیر چنگ به چنگ اندر و غزل بسرای (انسانی ۸۸)

👉 پُنگ: از آلات موسیقی / پُنگ: دست (جناس تام)

📌 بس مرا مَنّت از استاد بود

که به تعلیم من استاد استاد (زبان ۸۵)

👉 اُستار - استاد (جناس ناقص)

📌 گفت استاد مـبر درس از یـاد

یـاد بـاد آن چه به من گفت استاد (انسانی ۸۸)

👉 یـاد-باد (جناس ناقص)

## واج آرایی.....

📌 تکرار چندین و چند بارهٔ ی یک واج به صورتی گوش نواز باشد و در

موسیقی کلام تأثیر بگذارد. پنید:

👉 خیزید و خز آید که هنگام خزان است

باد خنک از جانب خوارزم وزان است(منوچهری)

تکرار صامت های«خ»«ز» و مصوت«ا»

📌 نکات .....

📌 واج آرایی هم میتواند ناشی از تکرار مصوت و یا در صامت ایجاد

شود. که واج آرایی ناشی از تکرار صامت هنری تری و البته محسوس تر

از واج آرایی ناشی از تکرار مصوت ها است.

📌 گاهی در واج آرایی شاعر میخواهد با تکرار صامت یا مصوتی خاص ،

صحنه و یا تصویری را برای مخاطب تداعی کند. مثلا در همین بیت بالا

شاعر صدا و صحنهٔ خرد شدن برگ های پایی زی را برای مخاطب تداعی و

مجسم کرده است.

📌 واج آرایی ناشی از تکرار مصوّت کوتاه«ِ ـ» از قلم نیفتد!

👉 من خاکِ کفِ پایِ سگِ کویِ تو هستم

کو آن که کف پای سگ کوی تو باشد()

📌 در واج آرایی هم«تکرار» وهم«گوش نوازی» باید مورد توجه قرار گیرد.

📌 مثال ها .....

📌 آن ابر دُرّبار ز دریا که بر آید

پر کرده ز درّ و درم و دانه دهان را (هنر ۹۳)

📌 رسم عاشق کشی و شیوه شهر آشوبی

جامه ای بود که بر قامت او دوخته بود (هنر ۹۳)

## ۱- در کدام تشبیه وجه شبه ذکر نشده است؟

- (۱) چون مار زخم خورده دل افتد به پیچ و تاب/هر گه که یاد طرّه پیچان کند تو را  
 (۲) چون رخ من شده است رنگ زمین/ چون دم من شده است طبع زمان  
 (۳) جهان چون نی هزاران ناله دارد/ که یک نی دید از شکرستانی؟  
 (۴) در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع / شب نشین کوی سربازان و ر ندانم چو شمع

## ۲- آرایه های بیت زیر، کدام است؟

## جای خنده است سخن گفتن شیرین پیشت

## که آب شیرین چو بخندی برود از شکرَت»

- (۱) استعاره، مجاز، کنایه، تلمیح  
 (۲) تشبیه، ایهام، مجاز، حسن تعلیل  
 (۳) استعاره، ایهام تناسب، تلمیح، تناقض  
 (۴) تشبیه، ایهام، استعاره، ایهام تناسب

## ۳- بیت زیر «فاقد» کدام آرایه ادبی است؟

## «شود از مهر خموشی دل خامش گویا

## جوش می در جگر خیم ز سر بسته بود»

- (۱) ایهام، حس آمیزی (۲) استعاره، تناقض (۳) تشبیه، مراعات نظیر (۴) مجاز، اسلوب معادله

## ۴- ترتیب آرایه های «استعاره، تشبیه، پارادوکس و حسن تعلیل» در ابیات زیر کام است؟

## الف) دلم به پیش تو می خواست جان فرستادن / ولی کبوتر جان را نبود قوت بال

## ب) ز میوه گر چه در این بوستان سبکباریم / همان چو سرو به آزادی گرفتاریم

## ج) مگر ای زلف ز حال دلم آگه شده ای / پراکنده و شوریده و سرگردانی

## د) خواهم اندر پایش افتادن چو گوی / که ور به چوگانم زند هیچش مگوی

- (۱) الف، ب، د، ج (۲) الف، د، ب، ج (۳) ج، د، ب، الف (۴) د، ب، الف، ج

## ۵- تعداد تشبیهات کدام بیت، بیشتر است؟

## ۱) ای بهشتی رخ طوبی قد خورشید لقا / بشنو این بیت خوش از خسرو جاوید لقا

## ۲) از طاق ابروانت وز تار گیسوانت / هم خسته کمانیم هم بسته کماندیم

## ۳) تو مهر درخشنده و من ذره محتاج / تو خانه فروزنده و من خانه به دوشم

## ۴) گاهی از جلوه شیرین روشی مجنونم / گاهی از خنده شیرین منشی فرهادم

## ۶- آرایه های بیت زیر کدام اند؟

## « چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی

## که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم »

- (۱) تشبیه، مجاز، تلمیح، تضاد (۲) ایهام، تشبیه، جناس، کنایه  
 (۳) کنایه، تشبیه، حس آمیزی، مجاز (۴) مجاز، ایهام، مراعات نظیر، حس آمیزی

## ۷- آرایه های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

## ۱) لاله، دل در دم جان بخش سحر می بندد / غنچه جان پیشکش باد صبا می آرد (استعاره، اسلوب معادله)

## ۲) از آن دل بستگی دارد دل ما با سر زلفش / که هرتاری ز گیسویش رگی با جان مادارد (حسن تعلیل، مراعات نظیر)

## ۳) به روز حشر چو بوی تو بشنود خواجه / ز خاک مست برون افتد و کفن بدرد (حس آمیزی ، مجاز)

## ۴) چنان کاندر پریشانی سرافرازی کند زلفش / توانایی چشم ساحرش در ناتوانی بود (تناقض، استعاره)

## ۸- ترتیب آرایه های «جناس، تشخیص، مجاز، تضاد» در کدام ابیات است؟

## الف) پیش رفتار تو پا برنگرفت از خجلت / سرو سرکش که به ناز از قد و قامت برخاست

## ب) ای نسیم کوی معشوق این چه بادخرم است / تا کجا بودی که جانم تازه میگردد به بوی

## ج) پی دیدن خرامش سر کوچه ها ستادم / پی جلوه جمالش در خانه ها نشستم

## د) چگونه از خط حکم تو سر بگردانم / که من مطیعم و حکم تو پیش بنده مطاع

- (۱) الف، ب، د، ج (۲) ب، الف، ج، د (۳) ب، الف، د، ج (۴) د، ب، ج، الف

## ۹- در کدام بیت، هر دو تشبیه گسترده و فشرده وجود دارد؟

## ۱) هر که از مهر تو چون ذره شود سرگردان / دورش از روی چو خورشید درخشان مگذار

## ۲) من که با زلف چو چوگان تو گویی نزنم / بیش از این گوی دلم در خم چوگان مگذار

## ۳) چند چون مرغ کنی سوی گلستان پرواز / راه آمد شدِ بستان به صبا باز گذار

## ۴) تو که یک ذره نداری خبر از آتش مهر / ذره بی سر و پا را به هوا باز گذار

## ۱۰- آرایه های بیت زیر، کدام اند؟

## « آب آتش می برد خورشید شب پوش شما

## می رود آب حیات از چشمه نوش شما »

- (۱) استعاره، تشخیص، تلمیح، تضاد (۲) مجاز، جناس تام، تضاد، تلمیح  
 (۳) ایهام، استعاره، جناس تام، پارادوکس (۴) مجاز، ایهام، تشخیص، پارادوکس

## ۱۱- هر دو آرایه مقابل کدام بیت، درست است؟

## ۱) پیمانۀ حیاتم پر شد فغان که نتوان / پیمان از او گرفتن پیوند از او بریدن (حسن تعلیل-جناس)

## ۲) برخیز تا به پای شود روز رستخیز / وانگه بین شهید غمت در چه حالت است (تلمیح-ایهام)

## ۳) شد چمن انجمن از بوی خوشش پنداری / که سمن در بغل و گل به گریبان دارد (جناس، حس آمیزی)

## ۴) اسباب پریشانی جمع است برای من / جمعیت اگر خواهی زان طرّه پریشان باش (پارادوکس، مجاز)

## ۱۲- آرایه های «اسلوب معادله، تلمیح، تشبیه، حس آمیزی» در کدام ابیات است؟

## الف) وصل، هجران است اگر دل ها ز یکدیگر جداست / هجر باشد وصل اگر دل ها به هم پیوسته است

## ب) آبی که زندگانی جاوید می دهد / دارد اگر وجود، شراب شبانه است

## ج) نیست پروا عاشقان را از نگاه تلخ یار / دود خشک شمع ریحان تر پروانه است

## د) از تهی مغزی است امید گشاد از ماه عید / ناخن تنها برای پشت سر خریدن است

- (۱) ج، ب، الف، د (۲) ج، ب، د، الف (۳) د، ب، الف، ج (۴) د، ج، ب، الف

## ۱۳- کدام بیت، دارای «تلمیح، تضمین و حسن تعلیل» است؟

## ۱) نیازی نیست با شعرم تخلص خواجه خود فرمود / که چرخ، این سگّه دولت به نام شهریاران زد

## ۲) شهر ری خالی شد از مهر و محبت خواجه گفت / مهربانی کی سرآمد شهریاران را چه شد

## ۳) نگین ملک سلیمان چراغ عرش خداست / گرش نه حلقه برانگشت اهرمن باشد

## ۴) لاله چون تاج فریدون بدرخشد کز کوه / پرچم کاوه نرورز پدیدار آمد

## ۱۴- آرایه های بیت زیر، کدام اند؟ «ساز هستی غیر آهنگ عدم چیزی نداشت / هر نوایی را

## که وادیدم خموشی می سرود»

- (۱) استعاره، مجاز، ایهام، تضاد، حسن تعلیل (۲) تشبیه، مجاز، پارادوکس، کنایه، حسن تعلیل  
 (۳) تشبیه، تضاد، ایهام، پارادوکس، حس آمیزی (۴) استعاره، اغراق، ایهام تناسب، جناس، حس آمیزی

## ۱:گزینه ۲) وجه شبه:به پیچ و تاب افتادن ۳)هزاران ناله داشتن:وجه شبه ۴) وجه

شبه:مشهور بودن در وفای عشق(مصراع اول) وجه شبه:شب نشین کوی سربازان و رندان

بودن(مصراع دوم) ۲:گزینه ۴ تشبیه: سخ نگفتن تو مانند سخ نگفتن شیرین و بهتر از

آن است. (به این گونه تشبیهات که در آن ها، مشبه بر مشبه به برتری داده می شود،

تفضیل یا مَرَج می گویند) ایهام: شیرین(شاهزاده ارمنی - مزه شیرین) استعاره:شکر

استعاره از لب ایهام تناسب: شکر (شیرین - همسر خسرو پروز که با شیرین تناسب

دارد) ۳:گزینه ۱ استعاره: جگر خم(تشخیص) تناقض:از مهر خموشی، گویا شدن

تشبیه:مهر خموشی تناسب: می و خم مجاز: دلمجازاً وجود اسلوب معادله: مصراع دوم

مثال و مصداقی برای مصراع اول است و هر دو مصراع استقلال نحوی و معنایی دارند.

۴:گزینه ۲ استعاره: الف دل قصد فرستادن جان را دارد تشبیه:د چو گوی پارادوکس:ب

به آزادی گرفتاربودن حسن تعلیل:ج علت پراکندگی و آشفتهگی زلف، آگاه شدن از دل

شوریده و بی تاب شاعر است. ۵:گزینه ۴)سه تشبیه:بهشتی رخ /طوبی قد/خورشید

لقا ۲)یک تشبیه:طاق ابرو ۳)دو تشبیه: تو مهر درخشنده / من ذره محتاج ۴)چهار تشبیه:

شیرین روش / من مثل مجنون / شیرین منش / من مثل فرهاد ۶:گزینه ۲ ایهام:

بو(رایحه-آرزو) تشبیه:چو غنچه جناس:کوی - بوی کنایه: پرده دریدن کنایه از آشکار

ساختن ۷:گزینه ۱) استعاره:دل بستن لاله ۲) حسن تعلیل : علت تعلق و دل بستگی

دل عاشق به زلف معشوق این است که تار گیسوی معشوق با جان عاشق وصل و

پیوندی دارد مراعات نظیر: زلف، تار و گیسو ۳) حس آمیزی:شنیدن بو مجاز:خاک مجاز

از قبر ۴) تناقض: توانایی در ناتوانی! استعاره: سرافرای کردن زلف ۸:گزینه ۳ جناس:ب

کوی،بوی تشخیص:الف خجالت کشیدن درخت سرو مجاز:د خط مجاز از فرمان تضاد:ج

ستادم(ایستادم) ، نشستم ۹:گزینه ۱) تشبیه فشرده ندارد ۲)گسترده (من با زلف چو

چوگان تو گویی نیزمنم) فشرده یا همان اضافه تشبیهی(گوی دل)۳) تشبیه فشرده

ندارد ۴) تشبیه گسترده ندارد. ۱۰:گزینه ۱ استعاره:خورشید استعاره از چهره نورانی

معشوق تشخیص:آب آتش(آبروی آتش) تلمیح:اشاره به داستان چشمه آب حیات تضاد

:آب،آتش ۱۱:گزینه ۴) حسن تعلیل: ندارد جناس:پیمانان و پیمان ۲) تلمیح: ندارد

ایهام: حالت(وضع-ذوق)۳) جناس: چمن و سمن حس آمیزی: ندارد ۴) پارادوکس:

جمعیت اگر خواهی، پریشان باش مجاز:طره مجاز از زلف ۱۲:گزینه ۳ اسلوب معادله: د

مصراع دوم مثالی برای مصراع اول است و مصراع ها استقلال نحوی و معنایی دارند

تلمیح:ب اشاره به داستان آب حیات و زندگی جاوید دارد تشبیه:الف وصل مثل هجران

است حس آمیزی:ج نگاه تلخ ۱۳:گزینه ۱ تلمیح: باور قدما مبنی بر تأثیر چرخ در دولت

و نکبت سرنوشت آدمیان اشاره شده است تضمین: شاعر مصراع دوم را از حافظ

تضمین کرده است(آوردن مصراع، بیت یا قسمتی از شعر و نثر شاعر دیگر را تضمین

می گویند) حسن تعلیل: شاعر(شهریار) علت تخلص نداشتن شعرش را ممانعت روزگار

میداند، چون معتقد است که چرخ پیش از این، سگّه دولت(تخلص) را به نام او زده و

تثبیت کرده است. ۱۴:گزینه ۳ تشبیه: ساز هستی، آهنگ عدم تضاد:هستی ، عدم

ایهام:آهنگ(نوا-قصه) پارادوکس: هر نوایی را که وادیدم خموشی می سرود حس

آمیزی: دیدن نوا



۱۵- آرایه های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

(۱) این عالم پرشور که آرام ندارد/ از دامن صحرای تو یک موج سراب است (تشبیه، مجاز)

(۲) از نرگس بیمار بود تازگی حُسن/ معموری آفاق ز دل های خراب است (تناقض، استعاره)

(۳) در دل فکند شور جزا گریه تلخش/ از آتش رخسار تو هر دل که کباب است (حس آمیزی، ایهام تناسب)

(۴) مجنون چه کند مست نگرده، که در این دشت/ هر موج سرابی که بود موج شراب است (تلمیح، جناس)

۱۶- ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه های «مجاز، تشبیه، استعاره، ایهام تناسب و تلمیح» کدام است؟

(الف) می زند حلقه زلف تو در غارت جان / نتوان با سر زلف تو به جانی در بست

(ب) گر بدین شیوه کند چشم تو مردم را مست / نتوان گفت که در دور تو هشیاری هست

(ج) جان صوفی نشد از جام کدورت صافی / تا نشد در تن خم خانه چو دُردی به نشست

(د) می به هشیار ده ای ساقی مجلس که مرا / نشئه ای هست هنوز از می باقی الس

(ه) خوردم از دست تو جامی که جهان جرعه اوست / هر که زین دست خورد می برود زود ز دست

(۱) ج، الف، د، ب، ه (۲) ج، ب، ه، الف، د (۳) ه، الف، ب، د، ج (۴) ه، ج، الف، ب، د

۱۷- آرایه های بیت زیر، کدام اند؟

«شکرت شور جهانی و جهانی مشتاق

(۱) استعاره، ایهام، تضاد، مراعات نظیر

(۲) تشبیه، ایهام تناسب، جناس تام، تضاد

(۳) تشبیه، ایهام تناسب، جناس تام، تضاد

(۴) تشبیه، ایهام تناسب، جناس تام، تضاد

۱۸- آرایه های بیت زیر کدام اند؟

«بی برگی ما برگ نشاط است چمن را

(۱) تشبیه، استعاره، پارادوکس، مجاز

(۲) تشبیه، استعاره، تضاد، کنایه، اسلوب معادله

(۳) تشبیه، استعاره، تضاد، کنایه، اسلوب معادله

(۴) تشبیه، استعاره، تضاد، کنایه، اسلوب معادله

۱۹- آرایه های مقابل کدام بیت، «هر دو» درست است؟

(۱) بر آستان یارم برد آسمان غبارم/ بالا گرفت کارم در منتهای پستی (پارادوکس، مجاز)

(۲) سکندروار در ظلمت بسی لب تشنه گردیدم/ که جام باده شد سرچشمه آب بقای من (تلمیح، استعاره)

(۳) آن لب رنگین سخن بی خواست گویا می شود/ غنچه چون افتاد بازیگوش خود وا می شود (حس آمیزی، تشخیص)

(۴) چون به چهره بفشانی، چین زلف مشک افشان/ کس به هیچ نستاند، بار نافه چین را (جناس تام، حسن تعلیل)

۲۰- ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه های «مجاز، حسن تعلیل، حس آمیزی، استعاره و ایهام»؟

(الف) چو چشمه خضر ار شعر من روان افزاست / عجب مدار که آن عین آب حیوان است

(ب) گل امید من آن روز رنگ می گیرد/ که بشنوم ز لب لعل یار بوی شراب

(ج) مردم دریا نیندیشد ز طوفان زان سبب/ مردم چشمم فرو برده است دایم سر در آب

(د) سر پابوس تو دارم من و هیهات کجا/ نه چنان پایه چین بی سروپایی برسد

(ه) فشاند سنبل و چون گل ز غنچه رخ بنمود/ کشید قامت و چون سرو در چمن بنشست

(۱) ب، ج، الف، ه، د (۲) ب، د، ه، ج، الف (۳) د، ج، ب، ه، الف (۴) د، ه، ب، الف، ج

۲۱- آرایه های مقابل کدام بیت درست است؟

(۱) دامن شادی چو غم آسان نمی آید به دست / پسته را خون می شود دل تا لبی خندان کند

(۲) از لعل تو گر یابم انگشتری زنهار / صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد (ایهام- کنایه)

(۳) از زخم زبان نیست گزیر اهل رقم را / بی چاک که دیده است گریبان قلم را (استعاره- تشبیه)

(۴) نظری نیست، به حال منت ای ماه چرا؟ / سایه برداشت ز من مهر تو ناگاه چرا؟ (ایهام- تشخیص)

۲۲- آرایه های بیت زیر، کدام است؟

«به هر موجی زبان بازی مکن چون خار و خس صائب/ که خاموشی صدف را مخزن اسرار می سازد»

(۱) کنایه-مجاز-استعاره-حسن تعلیل

(۲) کنایه-ایهام-تشخیص-استعاره

(۳) تشخیص-تشبیه-استعاره-حسن تعلیل

(۴) تشخیص-تشبیه-ایهام تناسب-استعاره

۲۳- ترتیب آرایه های «پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، جناس تام» در کدام گزینه درست است؟

(الف) دولت خواهی، مده ز کف دامن فقر/ کز دولت فقر شد هما، شاه نشان

(ب) زین روی که مه به شب بود روز رهی / شب گشت در آرزوی روی چو مهت

(ج) زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست / تا در میانه خواسته ی کردگار چیست

(د) سرسبزی خطش سرسبزی خلق است / شور لب لعلش همه شیرینی جان است

(۱) الف-ب-ج-د (۲) د-الف-ج-ب (۳) الف-د-ج-ب (۴) الف-ج-د-ب

۲۴- آرایه های بیت «سوختم از آتش دل در میان موج اشک / شوربختی بین که در آغوش دریا سوختم» کدام اند؟

(۱) متناقض-نما-کنایه-مجاز

(۲) حسن تعلیل-تشبیه-کنایه

(۳) حسن تعلیل-تشبیه-کنایه

(۴) متناقض-نما-استعاره-حس آمیزی

۲۵- آرایه های مقابل کدام گزینه نادرست ذکر شده است؟

(۱) جهاد زره استوار الهی است که آسیب نبیند و سپر محکم اوست که تیر در آن ننشیند.

(۲) دل او در پرده های گمراهی نهان و حق از او روی گردان، به خواری محکوم واز عدالت محروم

(۳) سراچه ی ذهنم آماس می کرد و پس از خواندن سعدی، از خانه خاله ام به خانه ی خودمان باز می گشتم

(۴) شب کویر، این موجود آسمانی که مردم شهر نمی شناسند، آن چه می شناسند شب دیگری

است؛ شبی است که از یامداد آغاز می شود

۲۶- در کدام گزینه به آرایه های بیت زیر اشاره شده است؟

«مرا چو چین سر زلف تو به دام آورد

(۱) تشبیه-استعاره-جناس تام-تناسب

(۲) تشبیه-استعاره-جناس تام-تناسب

(۳) تشبیه-استعاره-ایهام-جناس تام-تشبیه

(۴) تشبیه-استعاره-جناس تام-تناسب

احتمالی

۱۰: گزینه ۱ (تشبیه: عالم به موج سراب مجاز: -) استعاره: نرگس استعاره از چشم تناقض: معموری (آبادانی) از خرابی است

۳: حس آمیزی: گریه تلخ ایهام تناسب: شور (هیجان - مزه شور که با تلخ تناسب دارد)

۴: تلمیح: اشاره به داستان لیلی و مجنون جناس: سراب، شراب، ۱۰: گزینه ۱

مجاز: هـ جام مجاز از شراب تشبیه: ج جام کدورت استعاره: الف حلقه زلف، در غارت جان را میزند تشخیص ایهام تناسب: ب مردم (انسن ها-مردک که با چشم

تناسب دارد) تلمیح: د اشاره به آیه «اَشْهَدَهُمْ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا

بَلٰی...» ۱۷: گزینه ۴ استعاره: شکر استعاره از دهان یار ایهام تناسب:

شور (هیجان - مزه شور که با شکر تناسب دارد) مجاز: عالم مجاز ا مردم عالم

اغراق: دهان یار شوری در همه جهان انداخته و همه دنیا مشتاق معشوق اند.

۱۸: گزینه ۱ تشبیه: مانند کردن خار و خس ما به شیرازه گل استعاره: نشاط

چمن، شیرازه گل (اضافه استعاری) پارادوکس: بی برگی ما برگ است مجاز: چمن

مجاز از باغ ۱۹: گزینه ۳ (پارادوکس: بالا گرفت کارم در منتهای پستی مجاز:-

۲) تلمیح: اشاره به داستان آب حیات و زندگی جاودان دارد استعاره: -) حس

آمیزی: رنگین سخن تشخیص: بازیگوش بودن غنچه ۴) جناس تام: چین ۱: پیچ و

تاب چین ۲: کشور حسن تعلیل:- ۲۰: گزینه ۳ مجاز: د سر مجاز از قصد حسن

تعلیل: ج علت گریستن فراوانم این است که مردمانی که اهل دریا هستند، از

طوفان ترسی ندارند حس آمیزی: ب شنیدن بو استعاره: ه سنبل استعاره از زلف

و تشخیص هم داریم ایهام: الف عین (چشمه - مثل و مانند) ۲۱: گزینه ۱

تشخیص: دامن شادی (اضافه ی استعاری) اسلوب معادله: مصراع دوم مصداقی

است برای مصراع اول و هردو کامل اند ۲) ایهام:- کنایه: انگشتری زنهار یافتن

کنایه از در امان و پناه بودن ۳) استعاره: گریبان قلم تشبیه:- ۴) ایهام :- (مهر

ایهام تناسب دارد) تشخیص: مورد خطاب قرار گرفتن ماه ۲۲: گزینه ۳

تشخیص: خاموشی صدف تشبیه: چون خار و خس استعاره: خاموشی صدف

حسن تعلیل: دلیل ادبی برای مخزن اسرار بودن صدف ۲۳: گزینه ۳ پارادوکس:

الف (دولت فقر) ایهام تناسب: د شور (آشوب و غوغا - پرنمک تناسب با

شیرین) مجاز: ج پیاله مجاز از شراب جناس تام: ب: روی (جهت) - روی (چهره)

۲۴: گزینه ۴ متناقض نما: در آغوش دریا سوختن! استعاره- تشخیص: آغوش

دریا حس آمیزی: شور بودن بخت! ۲۵: گزینه ۱ تشبیه: جهاد به زره و سپر

جناس: نبیند و نشیند تناسب: سپر، تیر، زره

۲۶: گزینه ۱ تشبیه: دانه ی خال استعاره: بتان جناس تام: چین (شکن)

چین (کشور چین) تناسب: سر و زلف



۲۷- ترتیب توالی ابیات، به لحاظ داشتن «جناس - ایهام - استعاره - حسن تعلیل - حس آمیزی»؟

(الف) ای در بهار حسن تو گل ها و لاله ها / وی لاله را ز رشک تو پُر خون پیاله ها

(ب) زمام کار، بدست تو چون سپرد سپهر/ به کار خلق، چرا دیگران نگاه کنند

(ج) بنده ی خویشم خوان که به شاهی رسم / مگسی را که تو پرواز دهی شاهینی است

(د) موی چون کافور دارم از سر زلفین تو / زندگانی تلخ دارم از لب شیرین تو

(ه) دور از تو در جهان فراخم مجال نیست / عالم به چشم تنگدلان چشم سوزن است

(۱) ج-الف-ه-ب-د (۲) ج-ب-د-الف-ه (۳) ج-ه-ب-الف-د (۴) ج-ه-الف-ب-د

۲۸- آرایه های مقابل ابیات در همه ی گزینه ها درست است، به جز گزینه ی ..... .

(۱) می کشد شوقم عنان باد این کشش در ازدیاد / تا شود تنگ عزیمت تنگ برخنگ مراد (جناس - استعاره)

(۲) به بوی موی تو گردیده ام انیس سگانت او گر به سنگ برانی سر گریز ندارم (مجاز-ایهام)

(۳) روشنی دادن دل تاریک را با نور علم / دردل شب، پرتو خورشید رخشان داشتن (استعاره - اسلوب معادله)

(۴) مرا رحمت آید برآن کاو چو من / غمی دارد و غمگساریش نیست (تشبیه، تناقض)

۲۹- آرایه های «ایهام، تلمیح، تشبیه، جناس تام، استعاره» به ترتیب در کدام ابیات، یافت می شود؟

(الف) از دست عقل دوراندیش کار برنمی آید / مسخره می کند دیوانگی زنجیر مویان را

(ب) بیا و کشتی ما در شطّ شراب انداز / خروش و ولوله در جان شیخ و شباب انداز

(ج) از حسرتم بموید چنگ دل شکسته ی دل / چون باد نوبهاری چنگی زند به مویت

(د) یوسف عزیزم رفت ای برادران رحمی / کز غمش عجب بینم حال پیر کنعانی

(ه) دل دادمش به مژده و خجالت همی برم / زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست

(۱) ه-ج-ب-د-الف (۲) ب-د-ج-ه-الف (۳) ه-د-ب-ج-الف (۴) الف-د-ب-ج-ه

۳۰- آرایه های مقابل کدام گزینه درست آمده است؟

(۱) چنان به موی تو آشفته ام به بوی تو مست / که نیستم خبر از هرچه در دو عالم هست (اغراق - ایهام)

(۲) گل به بستان جمال از او گیرد / مشک در نافه بوی او دارد (ایهام - کنایه)

(۳) خلید خار درشتی به پای طفلی خرد / به هم برآمد و از پویه بازماند و گریست (تضاد - حسن تعلیل)

(۴) گرم شو از مهر و ز کین سرد باش / چون مه و خورشید جوان مرد باش (تضاد - ایهام)

۳۱- در کدام بیت بیشترین تشبیه وجود دارد؟

(۱) چو تو خورشیدی نتابیده است در ایوان حسن / دره ای چون من نرقصیده در میدان عشق

(۲) شب فراق که داند تا سحر چند است / مگر کسی که به زنان عشق در بند است

(۳) سوزن فکرت شکست رشتۀ طاقت گسیخت / بس که ز نو دوختیم چاک گریبان دل

(۴) آشفته سخن چو رلف جانان خوشتر / چون کار جهان بی رو سامان خوشتر

۳۲- واژه «سر» در کدام بیت مجاز نیست؟

(۱) کار با عشق فتاد، از سرم ای عقل برو / چه دهی و سوسه دیدم هنری نیست تو را

(۲) عذری بنه اول که تو درویشی و او را / در مملکت حسن سِ تاجوری بود

(۳) مگر که سر بدهم و نه من ز سر نهنم / امید وصل در این ره چو پای بنهادم

(۴) مشک با حلقه مویت سر سودا دارد / کج خیالی است مگر مشک ختا را سوداست

۳۳- آرایه های مقابل همه ابیات «هر دو» درست است؛ به جز:

(۱) کمند زلف تو سر حلقه نجات من است / که رستم از همه تا صید این کمند شدم (پارادوکس-تشبیه)

(۲) صبح امیدخنده شادی نمی کند / تا ناامید ا همه دنیا نمی شوی (تشبیه-استعاره)

(۳) صبر من با لب شیرین تو ز اندازه گذشت / تنگ شد حوصله تنگ شکری پیدا نیست (ایهام-تلمیح)

(۴) قبول پرتو احسان ز آفتاب مکن / که ماه یک شبه را منتش دو تا کرده است (حسن تعلیل- استعاره)

۳۴- آرایه های «تشبیه، مجاز، حس آمیزی، اسلوب معادله» در کدام ابیات آمده است؟

(الف) چون نباشد عید طفلان صحبت رنگین من؟ / می کند مجنون من دست نگارین سمگ را

(ب) از خیال یار دل شد کعبه حاجت مرا / نقش شیرین در نظرها ساخت شیرین سنگ را

(ج) غوطه در خون می دهد دل را فروغ داغ عشق / می کند خورشید عالمتاب رنگین سنگ را

(د) یک دل افسرده بی داغ از دم گرم نماند / در بهار از لاله گردد چهره رنگین سنگ را

(۱) ب،الف،د،ج (۲) ب،د،الف،ج (۳) ج،ب،د،الف (۴) د،الف،ب،ج

۳۵- ترتیب آرایه های «ایهام، پارادوکس، مجاز و تلمیح» کدام است؟

(الف) چون شدم کشته پیکان خدنگ غم عشق / بر دلم چند زنی ناوک دل دوز امشب

(ب) هر چه نتوان یافت در ظلمت ز آب زندگی / من همان در تیره شب می یابم از جام شراب

(ج) از دیده بیفتاده سرشکم به شوخی / بر گوشه چشم آمد و بر جای تو بنشست

(د) «خواجه» چو نام عاشقان ننگ است پیش اهل دل / گر نیک نامی بایدت در باز نام و ننگ را

(۱) ج،د،الف،ب (۲) الف،ب،د،ج (۳) ج،د،ب،الف (۴) الف،ج،د،ب

۳۶- آرایه های مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به جز:

(۱) به می پرستی از آن نقش خود زدم بر آب / که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن (ایهام-کنایه)

(۲) گفتم ای جان جهان دفتر گل عیبی نیست / که شود فصل بهار از می ناب آلوده (تشبیه-جناس)

(۳) یاقوت جان افزایش ز آب لطف زاده / شمشاد خوش خرامش در ناز پروریده (استعاره-واج آرایه)

(۴) مژگان تو تا تیغ جهانگیر برآورد / بس کشته دل زنده که بر یک دگر افتاد (اغراق-استعاره)

۳۷- «در مجلس دهر، ساز مستی پست است نه چنگ به قانون و نه دف بر دست است»

(۱) استعاره، مجاز، ایهام، حسن تعلیل (۲) تشبیه، استعاره، ایهام، کنایه

(۳) استعاره، مجاز، کنایه، حسن تعلیل (۴) تشبیه، جناس، ایهام تناسب، کنایه

۳۸- «نیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشایی / پیش نطق شکرینت چو نی انگشت بخاید»

(۱) استعاره، حس آمیزی، مجاز، حسن تعلیل (۲) استعاره، حس آمیزی، نغمه حروف، کنایه (فارج ۹۶)

(۳) تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، ایهام تناسب (۴) تشبیه، ایهام، نغمه حروف، مراعات نظیر

۳۹- «سعدی شیرین زبان، این همه شور از کجا؟ / شاهد ما آیتی است، وین همه تفسی او»

(۱) مجاز، تشبیه، کنایه، تلمیح (۲) استعاره، ایهام، تضاد، تلمیح (فارج ۹۲)

(۳) ایهام، کنایه، استعاره، تضاد (۴) تشبیه، مجاز، حس آمیزی، ایهام تناسب

۴۰- «نقد دلی که بود مرا صرف باده شد / قلب سیاه بود از آن در حرام رفت»

(۱) ایهام، نغمه حروف، پارادوکس (۲) ایهام، مراعات نظیر، اسلوب معادله

(۳) تشبیه، ایهام، حسن تعلیل (۴) تشبیه، مراعات نظیر، اسلوب معادله

۲۷- گزینه ۳ جناس: ج شاهی - شاهین ایهام: ه دوراز تو (در فراق تو-از تو دور باد)

استعاره: ب زمام کار (اضافه ی استعاری) حسن تعلیل: الف دلیل قرمز بودن لاله، حسادت

بیان شده است! حس آمیزی: د زندگانی تلخ (گزینه ۴) جناس: تنگ و خنگ

استعاره: عنان باد (اضافه ی استعاری) (۲) مجاز: سر مجاز از قصد واندیشه / ایهام: (بو) رایحه

(-امید و آرزو) (۳) استعاره: دل شب (اضافه ی استعاری) - اسلوب معادله: روشنی دادن/دل

تاریک/نورعلم = رخشان داشتن / دل شب/پرتوی خورشید (۴) تشبیه: تشبیه مخاطب به

خود(شاعر) مناقض نما: (گزینه ۳) ایهام: ه قلب (تقلبی-دل) تلمیح: د اشاره به

داستان حضرت یوسف(ع) تشبیه: ب شطّ شراب (اضافه تشبیهی) جناس تام: ج

چنگ (نوعی ساز) چنگ (پنجه) استعاره: الف دست عقل (اضافه ی استعاری) (گزینه ۳)

(۱) اغراق: در بیان شیفتگی عاشق (شاعر) نسبت به معشوق ایهام: (بو) شمیم - امید) (۲)

ایهام: (بو) شمیم - امید) کنایه: (۳) تضاد: درشت ≠ خرد حسن تعلیل: (۴) تضاد: مهر

≠ کین ایهام: (گزینه ۱) چهار تشبیه: خورشیدی چون تو-ایوان حسن-من به

ذره-میدان عشق (۲) دو تشبیه: شب فراق-زندان عشق (۳) دو تشبیه: سوزن فکرت-رشته

طاقت (۴) دو تشبیه: سخن به زلف-سخن به کار جهان

(گزینه ۲) مجاز از تصمیم (۳) مجاز از وجود (سر دوم) (۴) مجاز از تصمیم و قصد

(گزینه ۳) پارادوکس: کمند حلقه نجات است تشبیه: کمند زلف (۲) تشبیه: صبح

امید استعاره: خنده صبح (۳) ایهام: - تلمیح (۴) حس تعلیل: شاعر برای نازک بودن ماه

اول شب دلیلی خیال انگیز و غیرواقعی آورده است استعاره: منت کشی ماه (تشخیص)

(گزینه ۲) تشبیه: ب مانند کردن دل به کعبه حاجت مجاز: د دم مجاز از سخن

حس آمیزی: الف صحبت رنگین اسلوب معادله: ج مصرع دوم مثال است و در ضمن دو

مصرع کامل اند. (گزینه ۱) ایهام: ج از دیده افتادن (از چشم فرو افتادن-بی ارزش

شدن) پارادوکس: د نام، ننگ باشد! مجاز: الف خدنگ مجاز تیر تلمیح: ب اشاره به

داستان چشمه آب حیات (گزینه ۱) ایهام: - کنایه: نقش بر آب زدن کنایه از کاری

بیهوده انجام دادن (۲) تشبیه: مانند کردن گل به دفتر جناس: جان، جهان (۳) استعاره:

یاقوت استعاره از لب واج آرایه: تکرار «ش» و «ا» (۴) اغراق: نگاه معشوق باعث کشته

شدن انبوه عاشقان شود! استعاره: مژگان تیغ برآورد (تشخیص) (گزینه ۴) تشبیه:

مانند کردن دهر به مجلس جناس: در ، دهر ایهام تناسب: چنگ (نوعی ساز-سر پنجه

متناسب با دست) قانون (قاعده - نوعی ساز متناسب با دف) کنایه: دف بر دست نبودن ،

پست بودن ساز، چنگ به قانون نبودن کنایه نابسامانی (گزینه ۲) استعاره: جان

بخشی به نیشکر حس آمیزی: نطق شکرین نغمه حروف: تکرار «ش» کنایه: انگشت

خاییدن کنایه از حسرت خوردن (گزینه ۴) تشبیه: مصرع ۲ مجاز: زبان حس

آمیزی: شیرین زبان ایهام تناسب: شور (هیجان-شور تناسب با شیرین)، آیت (نشان-آیه

قرآن تناسب با تفسیر)، تفسیر (تعبیر - اصطلاح قرآنی تناسب با آیت) (گزینه ۳)

ایهام: قلب (سکه تقلبی - دل) تشبیه: مانند کردن دل به نقد حسن تعلیل: دل به این

دلیل همه عمر به باده گساری پرداخته که مانند سکه تقلبی ناخالص بوده.

## خارج ۹۷

## خارج ۹۸

## ۴۱- تعداد تشبیهات کدام بیت بیشتر است؟

- (۱) واله و شیداست دائم همچو بلبل در قفس / طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست  
 (۲) بمال بر لب خونخو حرص، خاک قناعت / وگر نه تشنگی افزاست آب شور تمنا  
 (۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظر هاست / چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه سا را  
 (۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا / که باشد عقد گوهر خوشه‌ای از خرمن دریا
- ۴۲- در کدام بیت همه آرایه های «تشبه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟  
 (۱) حافظ در این کمند سر سرکشان بسی است / سودای کج میز، که نباشد مجال تو  
 (۲) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای؟ / کاشفته گفت باد صبا سرخ حال تو  
 (۳) صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود؟ / کاین گوشه، نیست در خور خیل خیال تو  
 (۴) چون پیاله، دلم از توبه که کردم، بشکست / خمچو لاله، جگرم بی می و خم خانه بسوخت
- ۴۳- آرایه های مقابل ابیات در همه گزینه ها تماماً درست است؛ به جز:

- (۱) نازنین تر می‌شوی هر روز از روز دگر / نازچندانی که می‌ریزد ز سر تا پای تو (حسن تعلیل، واج‌آرایی)  
 (۲) باغبان همچو نسیم ز در خویش مران / کآب گلزار تو از اشک چو گلنار من است (ایهام، کنایه)  
 (۳) در غباز خار مجنون حصارى گشته است / دیده‌آهو ز شرم نرگس شهلاى تو (استعاره، تشبیه)  
 (۴) پرده‌های دیده اش پیراهن یوسف شود / هر که یک شب را به روز آورد در سودای تو (تلمیح، ایهام تناسب)

## ۴۴- آرایه های «تشبیه، استعاره، حس آمیزی و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) چون شبنم است بستر و بالین من ز گل / در خارزار از نظر پاک بین خویش  
 (ب) ناله نی راست صد تنگ شکر در آستین / بندبندش گر پر از شکر نباشد گو مباش  
 (ج) چرا از دست می‌رفتم چرا بیمار می‌بودم؟ / اگر می‌بود بر بالین من سیب زرخندان  
 (د) کجا تاب نگاه گرم دارد سایه پروردی / که گردد آفتابی چهره از گلگشت مهتابش
- (۱) ب، الف، د، ج (۲) ب، د، ج، الف (۳) ج، الف، ب، د (۴) ج، الف، د، ب

## ۴۵- آرایه های مقابل کدام دو بیت، «کاملاً» درست است؟

- (الف) جام شراب مرهم دل های خسته است / خورشید مومیایی ماه شکسته است (اسلوب معادله، تشبیه)  
 (ب) گره گشای دل تنگ نغمه چنگ است / سهیل سیب زرخندان شراب گلرنگ است (جناس، تشبیه)  
 (ج) ای صباى بی مروت برق تازی واگذار / روح بیمار زلیخا همره پیراهن است (تلمیح، ایهام)  
 (د) پیش ما دشنام جانان از شکر شیرین تراست / روح تلخ بحر از آب گهر شیرین تراست (ایهام تناسب، حس آمیزی)

- (۱) الف، ب (۲) الف، د  
 (۳) ب، ج (۴) ب، د

## ریاضی ۹۹

## ۴۶- در کدام بیت «ایهام، تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

- (۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر / ای دیده نگه کن که به دام که درافتاد  
 (۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه / که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند  
 (۳) مرغ دل باز هوادار کمان ابرویی است / ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد  
 (۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه / که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

## ۴۷- آرایه های ادبی بیت زیر، در کدام گزینه درست آمده است؟

«به روز تیره ما صبح، شکر خنده ها دارد / نمیداند که این شادی دم دیگر نمی ماند»

- (۱) مجاز، استعاره، تضاد، تشخیص (۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام  
 (۳) پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، حس آمیزی (۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره
- ۴۸- آرایه های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:

- (۱) چه سان مژگان خونین گریه ما را / نکه دارد / کجا مرجان به زور پنجه دریا را نکه دارد؟ (اسلوب معادله، ایهام)  
 (۲) پهلو به حیات ابدی می زند آن زلف / این است سوادى که به اصل است مطابق (ایهام تناسب، کنایه)  
 (۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن سنجی / ندارد ور نه جنسی غیر یوسف کاروان ما (ایهام، استعاره)  
 (۴) اگر چه تخم طمع زردرویی آرد بار / زکات رنگ به گلشن دهد گدای قدح (مجاز، تشبیه)

## ۴۹- آرایه های «تشبیه، مجاز، حسن تعلیل و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) به قامت خوش خوبان نگاه می‌کردم / لباس حسن تو دیدم به قد هر یک راست  
 (ب) اگر جمال تو با عاشقان کرشمه نکرد / ز بهر چه شر و آشوب از جهان برخاست  
 (ج) دو اسبه پیک نظر می‌دوانم از چپ و راست / به جستجوی نگاری که نور دیده ماست  
 (د) به غمزه گر نربودی دل همه عالم / ز عشق تو دل جمله جهان چرا شیداست
- (۱) الف، د، ب، ج (۲) الف، ج، د، ب (۳) ج، د، ب، الف (۴) ج، ب، د، الف
- ۵۰- آرایه های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

- (۱) راستی را بنده شمشاد بالای توام / ورنه من آزادم از هر سرو بستانی که هست (استعاره، ایهام)  
 (۲) دیدی که غمت به خون من می‌کوشد / تو نیز به کشتنم میان در بستی (مجاز، کنایه)  
 (۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده دل / همچو ماه چارده در کنج ویران تافته است (تشبیه، ایهام)  
 (۴) گر زان که نرنجیده‌ای از ما به خطایی / چین در خم ابروی تو ای ترک ختاچيست؟ (حسن تعلیل، جناس)
- ۵۱- «ز مهر رويا و عمرى است تا دم میزنى سلمان / به مهرش صادقى چون صبح از آن مشهور آفاقى»  
 (۱) ایهام، استعاره، حس آمیزی، کنایه (۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز  
 (۳) حسن تعلیل، ایهام، ایهام تناسب، حس آمیزی (۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص

## ۴۱:گزینه ۴ گزینه ۱: همچو بلبل - طوطی طبع / گزینه ۲: خاک قناعت- آب تمنا / گزینه ۳: خاکش چون

سنگ سرمه- چشم سرمه سا / گزینه ۴: چون موج- تشبیه عقد گره به خوشه- خرمن دریا

۴۲:گزینه ۳ تشبیه: سرای دیده / استعاره: گوشه استعاره از دیده / جناس: خیل و خیال

۴۳:گزینه ۱ گزینه ۱: حسن تعلیل: -، واج آرایی: تکرار صامت «ر» / گزینه ۲: ایهام: آب (آبرو- آب)، کنایه: از

در خویش راندن / گزینه ۳: استعاره: نرگس استعاره از چشم، تشبیه: تشبیه دیده آهو به حصار /

گزینه ۴: تلمیح: اشاره به داستان یوسف (ع)، ایهام تناسب: سودا (عشق، سیاه که در معنی دوم با شب

تناسب دارد)

۴۴:گزینه ۴ تشبیه: ج سیب زرخندان / استعاره: الف سیب زرخندان / حس آمیزی: د نگاه گرم / ایهام

تناسب: ب راست (را+ است / اصطلاح موسیقایی که با نی تناسب دارد)

۴۵:گزینه ۱ الف تشبیه: جام شراب به مرهم و تشبیه خورشید به مومیایی کننده، اسلوب معادله:

جام شراب/ مرهم/ دل خسته= خورشید/ مومیایی/ ماه شکسته

(ب) جناس: چنگ و تنگ، تشبیه: سیب زرخندان، تشبیه شراب به ستاره سهیل

۴۶:گزینه ۳ ایهام: نگران (نگران! - نگرنده) ایهام تناسب: باز (دوباره - پرنده ای شکاری که با مرغ

تناسب دارد) تشبیه: مرغ دل استعاره: کبوتر استعاره از دل، هوادار بودن مرغ دل (تشخیص)

۴۷:گزینه ۴ تشبیه: شکر خنده حس آمیزی: شکر خنده پارادوکس: روز تیره استعاره: جان بخشی به صبح

۴۸:گزینه ۱ اسلوب معادله: مصرع دوم مصداق و مثالی است برای مصرع نخست ایهام:-

۴۹:گزینه ۳ تشبیه: ج پیک نظر / مجاز: د عالم مجاز از مردم عالم / حسن تعلیل: ب علت آشوب و

فتنه، کرشمه یار بیان شده است / ایهام: الف راست (درست - صاف)

۵۰:گزینه ۴ حسن تعلیل: - / جناس: خطا و ختا

۵۱:گزینه ۲ ایهام: مهر (خورشید، محبت) / تشبیه: مهر رو، چون صبح / ایهام تناسب: مهر در مصرع

دوم (عشق، خورشید که با صبح تناسب دارد) / مجاز: دم مجاز از سخن



۵۲- آرایه های «استعاره، حسن تعلیل، پارادوکس، کنایه و تضاد» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

الف) عمر چون باد به تعجیل از آن می گذرد/ که تو غافل کنی از گاه جدا دانه خویش  
ب) بر نمی آیم به تسکین دل خود کام خویش / چون فلک در بی قراری دیده ام آرام خویش  
ج) عاشق چرا امید نبندد به عشق پاک / شبنم عزیز باغ شد از چشم پاک خویش  
د) حرص بر من دردهای نسیه را کرده است نقد / صبح ناگردیده می افتم به فکر شام خویش  
ه) آن زلف همچو دام که عمرش دراز باد / هرگز نکرد یاد اسیران خاک خویش

۱) الف، ج، د، ه، ب ۲) الف، د، ب، ه، د ۳) ج، الف، ب، ه، د ۴) ج، ب، د، ه، الف  
۵۳- بیشترین مجاز در کدام بیت، یافت می شود؟

۱) هر سروقد که بر مه و خور حسن می فروخت / چون تو درآمدی، پی کاری دگر گرفت  
۲) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است / که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است  
۳) یک سر بی کبر در نمود زار خاک نیست / گاسه هر کس که می بینم ازین صهبا پر است  
۴) می خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست / از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت

۵۴- آرایه های بیت زیر، کدام اند؟

ز بند حرص بر آهو چه تازی نفس را چون سگ / به صحرای قناعت رو که بی آهوست آن صحرا  
۱) تشبیه، ایهام تناسب، استعاره، تضاد ۲) تشبیه، مجاز، کنایه، پارادوکس  
۳) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، تضاد ۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراعات نظیر  
۵۵- آرایه های همه ابیات در مقابل آنها درست است؛ به جز:

۱) گرت سودای آن باشد کزین سودا برون آیی / زهی سودا که خواهی یافت فردا از چنین سودا  
(جناس تام، مجاز)  
۲) به بزمگاه چمن دوش، مست بگذشتم / چو از دهان توام غنچه در گمان انداخت (مجاز، ایهام)  
۳) چون دل شب م یزنم صائب بر آهنگ فغان / می کشانم بر زمین از آسمان ناهید را (اغراق، استعاره)  
۴) ببر زین خاکدان زنهار با خود سرمه بینش / لوگر نه کور هیبهات است در محشر شود بینا  
(تشبیه، واج آرایی)

۵۶- ترتیب ابیات زیر، با توجه به آرایه های «حسن تعلیل، ایهام، اغراق، مجاز و استعاره» کدام است؟

الف) بر آنم که ابر گرینده / ز این پس پیش اشک من / حدیث چشم سیل افشان نراند گر حیا دارد  
ب) آهن سرد چه کویم که دم آتشی / نکند هیچ اسر در دل چون آهن او  
ج) در داستان نیاید اسرار عشبازان / کانجا که قاف عشق است دستان چه کار دارد  
د) ز کوه بیستون فرهاد از آن بیرون نمی آید / که می گردد دو بالا ناله در کهسار عاشق را  
ه) ماه نو چون ز لب بام بدیدم گفتم / ای دل از چنبر این ماه کجا خواهی جست

۱) الف، ج، ب، د، ه  
۲) الف، ج، د، ب، ه  
۳) د، ب، الف، ه، ج  
۴) د، ج، الف، ب، ه

زبان ۹۹

۵۷- در کدام بیت، تعداد تشبیه با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

۱) خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام / کیست که مرغ دلش از دام برآمد  
۲) گل بستان خرد لفظ دلارای من است / بلبل باغ سخن منطق گویای من است  
۳) تیر بلای او را جز دل هدف نشاید / تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد  
۴) آن بناگوش دل افروز است یا مه یا چراغ / کز شب زلف تو چون شمع شبستان تافته است

۵۸- آرایه های ادبی بیت زیر، تماماً در کدام گزینه درست است؟

در آن تنگ دهن زان عقد دندان حیرتی دارم / که چون در نقطه موهوم این سی پاره پنهان شد  
۱) ایهام، اغراق، استعاره، کنایه ۲) پارادوکس، تشبیه، کنایه، مجاز  
۳) اغراق، استعاره، تشبیه، واج آرایی ۴) حسن تعلیل، واج آرایی، استعاره، مجاز

۵۹- آرایه های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:

۱) تا سخنی گفته ام زان لب شیرین سخن / خسرو ایران نمود گوش به گفتار من (حس آمزی، ایهام)  
۲) تا در خیال حورم و اندیشه قصور / جز مایه قصور نگردد نماز من (جناس، حسن تعلیل)  
۳) دست نقاش فلک بهر تماشای ملک / هر شب آراسته در پرده نگار عجبی (جناس، واج آرایی)  
۴) هر کجا جلوه بالای تو باشد به میان / راستی سرو کجا قامت موزون دارد (ایهام تناسب، تشبیه)

۶۰- کدام دو واژه در بیت زیر، «ایهام» دارند؟

از نواهای مخالف می کشند آزار خلق / گوشمالی نیست حاجت ساز سیر آهنگ را

۱) نوا، ساز ۲) آهنگ، نوا ۳) نوا، مخالف ۴) ساز، آهنگ

۶۱- می کند خنده خونین به ته پوست نهان / پسته از بس خجل از غنچه خندان تو شد؟

۱) تناقض، اغراق، مجاز، استعاره ۲) کنایه، استعاره، تشخیص، حسن تعلیل  
۳) اغراق، تشخیص، تشبیه، ایهام تناسب ۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل

۶۲- آرایه «تشبیه» در کدام بیت، بیشتر یافت می شود؟

۱) سرسبز گشت باغ رخت از بهار خط / یعنی فزود مهر دلم از نگاه تو  
۲) روی تو در آینه جان عکس بینداخت / تا تخته تن پاک بگشت از همه رنگم  
۳) میوه عیش بسی چیدم از آن نخل مراد / کی دهد باغ محبت ثمری بهتر از این  
۴) حلقه دام نجات است خم طره دوست / وای بر حالت مرغی که در این دام نبود

۶۳- آرایه های همه ابیات در مقابل آنها درست است؛ به جز:

۱) اگر سنجی به میزان وفا کوه غم ما را / تو را د پله انصاف، سنگ کم کجا ماند؟

(اغراق، جناس)  
۲) بهار عمر خواه ای دل، وگر نه این چمن هر سال / چو نسرين صد گل آرد بار و چون بلبل هزار آرد  
(ایهام تناسب، استعاره)  
۳) آن دل از هلاک عشبازان غم کجا ماند؟ / گره در خاطر خورشید از شبنم کجا ماند؟  
(واج آرایی، استعاره)  
۴) مسلسل چون شود امواج، می پاشد ز هم کشتی / به حال خویش دل در زلف خم در خم کجا ماند؟  
(اسلوب معادله، ایهام)

۵۲- گزینه ۴ استعاره: ج جان بخشی به شبنم / حسن تعلیل: الف دلیلی غیر واقعی برای گذر سریع عمر ذکر شده است / پارادوکس: ب آرامش یافتن در بی قراری! / کنایه: ه اسیر خاک شدن / تضاد: دنسیه، نقد

۵۳- گزینه ۳ سر: مجاز از وجود / خاک: مجاز از دنیا

۵۴- گزینه ۱ تشبیه: تشبیه نفس به سگ / ایهام تناسب: تازی (فعل تاختن-سگ شکاری که با سگ تناسب دارد) / استعاره: آهو استعاره از لذت های مادی و صحرا استعاره از قناعت در ضمن تشخیص هم داریم / تضاد: حرص، قناعت

۵۵- گزینه ۲ مجاز: چمن مجاز از باغ / ایهام: -

۵۶- گزینه ۴ حسن تعلیل: د علتی غیرواقعی و شاعرانه برای ماندگاری فرهاد در کوه بیستون بیان شده است / ایهام: ج داستان (افسانه-لقب پدر رستم - مکر) / اغراق: الف اغراق در گریستن! / مجاز: ب دم مجاز از سخن / استعاره: ه جان بخشی به دل

۵۷- گزینه ۱ تشبیه خال به دانه / تشبیه زلف به دام / مرغ دل (در مابقی گزینه ها ۴ مورد تشبیه داریم)

۵۸- گزینه ۳ اغراق: اغراق در کوچک بودن دهان / استعاره: نقطه استعاره از دهان / تشبیه: تنگ دهن، عقد دندان / واج آرایی: تکرار صامت «ن»

۵۹- گزینه ۲ جناس تام: قصور (قصرها)، قصور (کوتاهی) / حسن تعلیل: -

۶۰- گزینه ۳ نوا: نغمه - اصطلاح موسیقی / مخالف: ناسازگار (در موسیقی) - دشمن

۶۱- گزینه ۲ کنایه: خندان بودن غنچه / استعاره: جان بخشی به پسته / تشخیص: جان بخشی به پسته حسن تعلیل: آوردن دلیلی غیرواقعی برای بسته بودن پسته

۶۲- گزینه ۳ میوه عیش / نخل مراد / باغ محبت / تشبیه عیش به میوه (در مابقی گزینه ها ۲ مورد تشبیه یافت می شود)

۶۳- گزینه ۴ اسلوب معادله: مصرع دوم مصداق و مثالی است برای مصرع اول! / ایهام: -